

## توقیف جراید در اسناد مجلس

### علی پویان مهر

بعد از شکست نخست ایران در جنگ‌های ایران و روس (۱۲۲۸ق)، عباس میرزا، ولیعهد، به خوبی دریافت که این شکست ریشه در عقب افتادگی ایران نسبت به ممالک اروپایی دارد از این رو به فکر چاره افتاد تا ایران را از مقام «تماشاگری» تمدن غرب بیرون برده و به مقام «بازیگری» ارتقا دهد.<sup>۱</sup> بنابراین، به فاصله کمتر از دو سال از گذشت این شکست در سال ۱۲۳۰، وی نخستین گروه اعزامی کسب دانش را به انگلستان رهسپار کرد، که یکی از آنها میرزا صالح شیرازی کازرونی بود. میرزا صالح در انگلستان در مقام «مترجم و مستشار» عباس میرزا مشغول بود و در بازگشت خود در سال ۱۲۳۴قمری، چاپخانه‌ای را که با خود به همراه آورده بود به میرزا جعفر تبریزی واگذار کرد. عباس میرزا شیرازی جعفر را نیز در سال ۱۲۴۰قمری به روسیه اعزام کرد تا «فن چاپ» را آموزش ببیند و دستگاه چاپ سنگی خریداری کند. مطبعه سربی که میرزا صالح شیرازی در همین سال (۱۲۴۰ قمری)، در تبریز تأسیس نموده بود، گرچه نخستین جریده فارسی ایران را چاپ نکرد اما نخستین چاپ جدید از گلستان سعدی (۱۲۳۴ق) قرآن (۱۲۴۸ق) در آنجا صورت گرفت و در ۱۲۵۱ق، کتاب **رادالعماد** در این چاپخانه منتشر شد.<sup>۲</sup>

سال ۱۲۵۳ق. نخستین جریده فارسی ایران در تهران منتشر شد که چون هیچ نامی نداشت به «معادل تحت‌اللفظی» فارسی آن از برای واژه «Newspaper» یعنی کاغذ اخبار شناخته شد. البته این جریده ادواری عمر چندانی نداشت و چون هیچ شماره‌ای از آن امروزه در دسترس نیست تاریخ پایان یا انحلال و حتی توقیف آن نیز نامعلوم است.<sup>۳</sup> تنها می‌دانیم که در سال ۱۲۵۸ق، بنا به گفته سفرنامه برزین، شرق شناس روسی، این نشریه دیگر منتشر نمی‌شده است.<sup>۴</sup>

دومین روزنامه‌ای که در ایران به چاپ رسید در دورهٔ صدارت امیرکبیر بود که در پی اصلاحات عباس میرزا، به روزنامه به مثابه بولتنی دولتی برای اعلان اخبار رسمی و جلوگیری از شایعات نظر داشت.<sup>۵</sup> وقایع‌التفاهیه، که در سال ۱۲۶۷هـ ق منتشر شد، بعد از عزل و قتل امیرکبیر در ۱۲۶۸ نیز ادامهٔ حیات داد و بعدها در

<sup>۱</sup> منصور بخت قباد «بحران تغییرات ادواری در نوسازی ایران» مجله دانشکده علوم انسانی، دانشگاه شهید بهشتی، شماره ۵۲، ص ۲۱۵ به بعد.

<sup>۲</sup> قاسمی، فرید؛ رویدادهای مطبوعاتی ایران، (۱۲۱۵-۱۳۸۲)، تهران، رسانه‌ها، ۱۳۸۳، ص ۱۱-۱۰.

<sup>۳</sup> هاشمی، محمد، تاریخ جراید و مجلات ایران، اصفهان، کمال، چ دوم، ۱۳۶۳، ج ۱، ص ۴-۳۰۳.

<sup>۴</sup> قاسمی، همان، ص ۱۳.

<sup>۵</sup> ر.ک. قاسمی، سید فرید، سرگذشت مطبوعات ایران، تهران، رسانه‌ها، ۱۳۸۳، ج ۱، ص ۶۷۹-۶۷۵.

سال ۱۲۷۷ هـ ق به دولت علیه ایران تغییر نام داد. اما در همین سال به «دستور ناصرالدین شاه امور مطبوعاتی به وزارت علوم واگذار و به عبارتی نظام‌مند گردید. اما از همان آغاز کار وقایع‌التفاهیه در زمان امیرکبیر نوعی سانسور غیررسمی نیز پدیدار شد به گونه‌ای که ادوارد برجیس، مباشر روزنامه وقایع‌التفاهیه، علاوه بر نشر روزنامه عامه مأمور تهیه روزنامه دیگری بود که فقط باید به نظر شاه و صدراعظم رسد که بنا به نظر حاکمیت استبدادی مطالب این روزنامه برای عامه مصلحت نیست»<sup>۶</sup>.

پس از آن سانسور پا به پای مطبوعات رشد کرد و جرایدی توقیف شدند، وقایع عدلیه، وطن و روزنامه نظامی تعدادی از جراید توقیفی ابتدیی در عصر ناصری است. گرچه در دوره صدارت سپهسالار در سایه حاکمیت قانون، جراید آزادی نسبی داشتند اما با قدرت گرفتن جناح مرتجع در دربار ناصری، از قانون بر ضد مصلحت عامه استفاده شد؛ کنت دومدنت فرنت<sup>۷</sup> ایتالیایی، رئیس نظمیة رژیم ناصرالدین شاه، مسئول تنظیم قوانینی شد که هرگونه اظهار نظر و نگارش آزادی را منع کرد آئین‌نامه‌ای که به «کتابچه قانون جزای ۱۲۹۶» معروف است سعی در کنترل روزنامه‌ها داشت، این آئین‌نامه کسانی که به شاه، ملت و مذهب و... توهینی می‌کردند، طی موادی، از یک ماه تا ۱۵ سال به حبس محکوم کرد. آئین‌نامه جزایی کنت ایتالیایی، نخستین قانون رسمی ممیزی مطبوعات به شمار می‌رفت؛<sup>۸</sup> بدین ترتیب سانسور، که تا پیش از آن توسط وزارت علوم و سپس اداره انطباعات دولتی بر مطبوعات اعمال می‌شد، حالا از طریق اداره نظمیة و اداره انطباعات بر پایه مواد قانونی بر مطبوعات سایه گستراند. چنین سانسوری موجب تبعید مطبوعات آزاد به بیرون مرزها شد و منجر به چاپ و نشر جرایدی چون **اختر** در استامبول، **حکمت** در قاهره و **ثریا** و **پرورش** در هند شد.

غرض این نوشتار بررسی توقیف جراید در سال‌های (۱۳۰۲-۱۳۰۰) است. بیان سابقه سانسور تنها به زمینه‌های چنین بحثی کمک خواهد کرد و به طور قطع اطلاعاتی در باب جزئیات و روند تاریخی سانسور در مطبوعات به ما نخواهد داد.

نخستین مدرکی که برای موضوع سانسور رسمی می‌توان ارائه کرد اعلانی است که در نمرة ۵۵۲ روزنامه دولت علیه ایران مورخ ۱۲ رجب ۱۲۵۰ قمری درج شد و این زمانی بود که صنیع‌الملک میرزا ابوالحسن خان، نایب وزارت علوم، متصدی کار طبع و نشر جراید و مطبوعات دولتی بود. «در این زمان ناصرالدین شاه برای جلوگیری از نشر کتاب‌ها و آثاری که مضر به اخلاق عمومی و فاسد -کننده خلق و خوی خرد و بزرگ باشد و آنان را در گرداب وسواس شیطانی می‌کشد، صنیع‌الدوله نقاش‌باشی را سرپرست کلیه چاپخانه‌های ممالک محروسه کرد که از طبع و نشر نسخه‌هایی که موجب انزجار طبع و مخالف اوامر شرعی است جلوگیری کند و کتاب‌هایی که ظاهراً و باطناً سودمند و بی‌زیان است چاپ شود»<sup>۹</sup>. بعدها محمدحسن خان صنیع‌الدوله مأمور ایجاد اداره سانسور برای تفتیش کتب و روزنامه‌های وارده از خارج شد و این دومین گام مهم برای سانسور در عصر ناصری بود.<sup>۱۰</sup>

به هر روی مطبوعات در دوره مشروطه نقش مهمی داشتند. بسیاری از آنها مفاهیم اصلی نظام مشروطه را وارد ادبیات سیاسی جامعه کردند: کنستیتوسیون، قانون، مشروطه، پارلمان و در آن دوره آگاهی بخشی، جزئی از رسالت آنها شده بود. به هر روی مدیران جراید نتوانستند در دوره مظفرالدین شاه و پس از آن نظارت و تفتیش دولت راه، که به وسیله اداره انطباعات اعمال می‌شد، ملغی سازند و در امتیازنامه خود کلمه آزاد را قید کنند؛ تنها روزنامه‌ای که توانست از عنوان آزاد استفاده کند روزنامه **مجلس** به مدیریت محمدصادق طباطبائی بود. پس از جنبش مشروطه وزارت انطباعات فرو ریخت و دستگاه چهل و چهار ساله سانسور منحل شد<sup>۱۱</sup>، جراید رادیکالی چون **صوراسرافیل**، **مساوات**، **حبل‌المتین** و **روح‌القدس** مقالات تندی علیه رژیم استبدادی منتشر می‌کردند. قانون اساسی

<sup>6</sup> . کهن، گوئل، تاریخ سانسور در مطبوعات ایران: ۱۲۵۳ تا ۱۲۵۹، تهران، آگاه، ۱۳۶۳، ج ۱، ص ۳۶.

<sup>7</sup> . Cont de Monte Ferte.

<sup>8</sup> . کهن، همان، ص ۹۸.

<sup>9</sup> . طباطبائی، محیط، تاریخ تحلیل مطبوعات ایران، تهران، بعثت ۱۳۶۶، ص ۴۷.

<sup>10</sup> . همان، ص ۴۸.

<sup>11</sup> . کهن، همان، ج ۲، ص ۸۶-۸۵.

برآمده از جنبش مشروطیت طبق اصل سیزدهم، آزادی مطبوعات را برقرار کرد: «عموم روزنامه‌ها مادامی که مندرجات آنها مخل اصلی از اصول اساسیه دولت و ملت نباشد، مجاز و مختارند که مطالب عام‌المنفعه... به طبع رسانیده، منتشر نمایند و اگر کسی در روزنامه‌ها و مطبوعات برخلاف آنچه ذکر شده و به اغراض شخصی چیزی طبع نماید یا تهمت و افترا بزند، قانون مورد استنطاق، محاکمه و مجازات خواهد شد.»<sup>۱۲</sup>

همچنین طی اصل بیستم از متمم قانون اساسی بر آزادی مطبوعات تسریع شد: «عامه مطبوعات غیر از کتاب ضلال و موارد مضر به دین اسلام، آزاد و میمیزی در آنها ممنوع است، ولی هرگاه چیزی مخالفت قانون مطبوعات در آنها مشاهده شود، نشر - دهنده یا نویسنده بر طبق قانون مطبوعات مجازات می‌شود»<sup>۱۳</sup>. اگر چه متهمین طبق اصل هفتاد و نهم از متمم قانون اساسی، توسط هیئت منصفه محاکمه خواهند شد.

به فاصله کمی پس از دستاوردهایی که مشروطه برای مطبوعات به دنبال داشت، نخستین قانون مطبوعات در مجلس شورای ملی به تصویب رسید و طی ۵۲ ماده میزان و کیفیت جرم، محاکمه مجرمان و توقیف جراید را تعیین شد<sup>۱۴</sup>. نقص بزرگ این قانون - که سومین قانون مطبوعات به شمار می‌رود - مسکوت گذاشتن هیئت منصفه در جریان رسیدگی به اتهامات مطبوعات بود.<sup>۱۵</sup> به هر روی مجلس نخست، تأثیر چشمگیری در سرنوشت مطبوعات این دوره داشت، و همزمان با فراز و نشیب مجالس اول تا سوم - از جمله به توپ بستن مجلس اول، استبداد سیزده ماهه محمدعلی شاه، فتح تهران و استقرار مجلس دوم، اولتیماتوم روس برای اخراج مورگان شوستر و انحلال مجلس دوم، و وقوع جنگ جهانی نخست و انحلال مجلس سوم - مطبوعات نیز فراز و نشیب زیادی داشتند؛ گاه به آزادی‌هایی دست می‌یافتند و گاه در محاق خفقان فرو می‌رفتند.

در فاصله فترت مجلس سوم و چهارم هیأت دولت در مرداد ۱۲۹۶ به ریاست میرزا محمدخان علاءالسلطنه قانونی تصویب کرد بدین مضمون تا زمانی که «قانون هیئت منصفه» از مجلس شورای ملی نگذشته بود شکایات راجع به مطبوعات بدون هیئت منصفه و در محاکم عدلیه رسیدگی و محاکمه خواهد شد و وزارت عدلیه یکی از شعب محاکم را به این امر تخصیص خواهد داد.<sup>۱۶</sup> و بدین ترتیب رسیدگی به اتهامات و جرایم مطبوعات در تگنای دیگری افتاد؛ اگر مجلس نخست با تصویب قانون مطبوعات مصوب ۵ محرم ۱۳۳۶ قمری بود یا نبود هیئت منصفه را در محاکمات مطبوعات مسکوت گذاشته بود قانون جدید مصوب هیئت دولت در مرداد ۱۲۹۶ خورشیدی به کلی آن را تا زمان تشکیل مجلس و تصویب قانون هیئت منصفه، رد کرد و امور این جرایم را به عدلیه سپرد که به طور قطع با توجه به سابقه نه چندان طولانی جرایم مطبوعات و به تبع فقدان قانون کیفری برای جرایم مطبوعات، نویسند و مدیران جراید باید منتظر برخوردهای سلیقه‌ای در دادگاه‌های عدلیه می‌ماندند.

اما در همین فترت مجلس سوم و چهارم اتفاق دیگری رخ داد که نه تنها آزادی مطبوعات را یکسره پایمال کرد که وجود آنها را نیز نشانه گرفته: کودتای سوم اسفند ۱۲۹۹ خورشیدی؛ ماده چهارم بیانیه معروف «حکم می‌کنم» رضاخان تصریح می‌نمود: «تمام روزنامه‌جات و اوراق مطبوعه تا موقع تشکیل دولت به کلی موقوف و برحسب دستور کلی و اجازه‌ای است که بعداً داده خواهد شد.»

هر چند این توقیف موقتی بود و به فاصله کوتاهی اجازه انتشار جراید صادر شد اما اساس کودتا بر پایه استبداد استوار بود که از بنیان با آزادی مطبوعات مخالف بود. در واقع مناسبات بعد از کودتا، تا استقرار رژیم پهلوی و پس از آن نشان داد که کودتا ابزار جابه‌جایی قدرت است و تمامی افکار و گرایش‌های سیاسی یک جامعه را همسو با خود می‌خواهد و جز این را از سر راه بر - خواهد کند: توقیف جراید بدون محاکمه، بعد از کودتا، به یکی از مسائلی تبدیل شد که همواره مطبوعات با آن دسته و پنجه نرم می‌کردند.

۱۲. ر.ک: مجموعه قوانین دوره اول مجلس شورای ملی، قانون اساسی نخست، اصل سیزدهم.

۱۳. ر.ک: مجموعه قوانین دوره اول مجلس شورای ملی، متمم نخست، اصل بیستم.

۱۴. ر.ک: مجموعه قوانین دوره اول مجلس شورای ملی قانون مطبوعات، ۵ محرم ۱۳۲۶ ق.

۱۵. ذاکر حسین، عبدالرحیم؛ مطبوعات سیاسی ایران در عصر مشروطیت، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۷۰، ص ۶۸.

۱۶. ذاکر حسین، همان، ص ۷۸.

در دوره رضاخان، خواه زمانی که در مقام وزیر مقتدر جنگ در عرصه حضور داشت و خواه دوره نخست وزیری، یکی از دلایل مهم توقیف جراید مخالفت آنها با اقدامات رضاخان به شمار می‌رفت. کافی بود که در یک روزنامه سخنی برخلاف رضاخان به رشته تحریر در آید تا در محاق توقیف فرو رود. رضاخان در سالگرد کودتا اعلامیه‌ای صادر کرد و در آن امرانه اظهار کرد دیگر به دنبال عاملین کودتا نگردند چرا که مسبب کودتا اوست و به مدیران جراید اخطار نمود که اگر «پس از این برخلاف ترتیب فوق در هر یک از روزنامه‌ها از این بابت [یعنی عاملین کودتا] ذکری بشود، به نام مملکت و وجدان، آن جریده را توقیف و مدیر و نویسنده آن را هر که باشد تسلیم مجازات خواهیم نمود.»<sup>۱۷</sup>

کمترین مخالفت با جمهوری خواهی رضاخان و تغییر سلطنت نیز از جرایم سنگینی بود که مطبوعات تنها با پذیرفتن خطر توقیف، طمع نوشتن مطلبی در این موارد می‌کردند.

دوره چهارم مجلس شورای ملی بیشترین اهمیت را در رابطه با مطبوعات داراست، و اسناد ارائه شده در این مقاله نیز مربوط به این دوره -اند، در واقع در این دوره شاید بیشترین حق از مطبوعات تضييع شد و به مدیران جراید اهانت زیادی روا شد حال آن -که مجلس نیز برپا بود. برخی خصیصه‌های مطبوعات این دوره، آن را از ادوار پیش و پس متمایز می‌کند چرا که: «از یک سو [شاهد] تنفیذ و اعتراض مطبوعات و تحصن مدیران جراید در مجلس، شاه عبدالعظیم و سفارت شوروی هستیم و از دیگر سو، تهدید و تطمیع و توقیف و ضرب و شتم و زمین‌گیر کردن و دست و پا زدن و دندان شکستن مدیران جراید» را مشاهده می‌کنیم.<sup>۱۸</sup>

استبداد رضاخان در دوره چهارم مجلس شورای ملی تا حدی شرایط خفقان ایجاد کرد؛ ملک‌الشعرا بهار از دوره چهارم به عنوان «دوره رکود و فترت مطبوعات» یاد می‌کند. در این دوره و در زمان کابینه مشیرالدوله، وی لایحه‌ای به مجلس تقدیم کرد که اصل ۷۹ متمم قانون اساسی را مبنی بر حضور هیئت منصفه در محاکمات مطبوعات - تفسیر کند؛ علت ارائه این لایحه از سوی هیئت دولت، برداشت مدیران جراید از این ماده قانونی بود که با استناد به آن، محاکم عادی را صالح برای رسیدگی به جرایم مطبوعاتی نمی‌دانستند اما این لایحه بعدها در شور دوم در کمیسیون عدلیه مسکوت ماند.<sup>۱۹</sup>

مشیرالدوله با حضور رضاخان قدرت اجرایی چندانی نداشت به گونه‌ای که وقتی روزنامه «حقیقت» شرحی در خصوص اختلاس‌های رئیس قورخانه، سردار اعتماد درج کرد رضاخان توقیف آن روزنامه را از مشیرالدوله خواست اما مشیرالدوله نپذیرفت و رضاخان مشیرالدوله را تهدید کرد که به دربار راهش نمی‌دهد. این موضوع منجر به استعفاء مشیرالدوله از رئیس‌الوزاری شد؛ هر چند مجلس این استعفاء را نپذیرفت اما این مسئله به ۲۸ روز بحران منجر شد. کابینه قوام‌السلطنه هم با وجود پیگیری‌های مسرانه برای تصویب «قانون هیئت منصفه» راه به جایی نبرد. در این دوره مدیران جراید از جمله حسین صبا، مدیر ستاره ایران، فلسفی، مدیر حیات جاوید و میرزا هاشم‌خان محیط مدیر وطن، در ملاء عام کتک خوردند و در دستگاه رضاخان و حبس شدند؛ چرا که تنها از وزیر جنگ انتقاد کرده بودند.

تنها «معتمدالتجار» یکی از نمایندگان مجلس، طی نطقی تند اقدامات رضاخان را سرزنش کرد، وی اظهار داشت: «حقیقتاً خیلی ننگ‌آور و باعث تأسف است که پس از ۱۷ سال مشروطیت و آن همه قربانی که در راه آزادی داده شده مجبور شویم که در عوض اصلاحات اساسی از نقص قانون اساسی و اجرا نشدن سایر قوانین شکایت کنیم... قریباً روزی می‌رسد که نه سر می‌ماند و نه دستار، بساط مشروطیت که برچیده می‌شود. سهل است، استقلال مملکت را هم می‌برند... بدون مجوز قانونی جراید را می‌بندند و مدیران آنها را توقیف کنند و می‌زنند. چرا؟ برای اینکه از ظلم و تعدی و انتخاب اشخاص بد -سابقه برای مأموریت‌ها و اختلاس و هزار مظالم دیگر تنقید کرده و دولتیان را به راه راست دلالت و نصیحت می‌نماید... از قانون اساسی که به غیر از لفظ و یک کتابچه مطبوع آن هم در کتابخانه‌ها و در خانه‌ها عجالتاً چیز دیگری نیست، همان مظالمی که در ایام فترت می‌شد همان خلاف قانون‌ها که در آن اوقات مرتکب می‌شود حالا هم می‌شوند...»<sup>۲۰</sup>

17. ذاکر حسین، همان، ص ۸۶.

18. اشاره به حبس و تازیانه زدن میرزا حسین‌خان صبا، مدیر روزنامه ستاره ایران به علت نوشتن مقاله اعتراضی در باب قتل کلنل محمدتقی‌خان پسیان و نیز اشاره به تحصن فرخی مدیر روزنامه طوفان و عده‌ای دیگر در سفارت شوروی و ۶۰ نفر در مجلس شورای ملی در برابر زیاده‌روی‌ها و اعمال خلاف قانون وزیر جنگ، ر.ک. ذاکر حسین، همان، ص ۸۵ تا ۸۷.

19. ذاکر حسین، همان، ص ۸۲ و ۸۸-۸۷.

20. مذكرات مجلس چهارم شورای ملی، ص ۱۱۶۳-۱۱۶۲.

به دنبال همین نطق بود که سردار سپه به ظاهر از مقام خود استعفاء داد، اما از دیگر سو نظامیان و جراید همسو با خود را علیه مجلس تحریک کرد و حتی کار را به جایی رساند که نظامیان او را به بستن مجلس و مطبوعات تشویق کردند.

در همین زمان روزنامه «پژوهش» مقاله‌ای ضد دینی به چاپ رساند که اعتراض روحانیون را برانگیخت و مدیر آن را مهدورالدم اعلام کردند. به دنبال آن مجلس قانون سه ماده‌ای ممیزی را به تصویب رساند که طی آن عموم جراید و ارباب مطابع ملزم شدند پیش از چاپ مطالب در خصوص اسلام و مذهب تصدیق دو نفر مجتهد جامع‌الشرایط را، که از سوی وزارت معارف معرفی می‌شدند، داشته باشند و چنانچه از آن تخلف می‌کردند مطابق قانون مطبوعات مجازات می‌شدند. این قانون به گونه‌ای ضمانت اجرای بخش نخست اصل بیستم قانون اساسی مصوب مجلس نخست بود که اذعان می‌داشت «عامه مطبوعات به غیر از کتب ظلال و مواد مضره به دین اسلام آزاد و ممیزی ممنوع است»، اما به سبب ضمانت اجرای همان بخش اول، دیگر ممیزی ممنوع نبود. چرا که پس از تصویب این قانون «ممیزی مطبوعات» در وزارت معارف تعیین شد.

در این زمان به جز حمله برخی جراید به مذهب، یکی از اشخاصی که مهم‌ترین تیر انتقادات جراید به سوی وی نشانه رفته بود شخص شاه بود. وی به دلیل ضعف و ناتوانی در برابر زیاده‌خواهی‌های رضاخان از جانب مطبوعات نکوهش شد و قوام‌السلطنه به منظور استحکام کابینه خود و نجات شاه قانون هیئت منصفه را دوباره مطرح کرد، اما این بار نه برای حمایت از جراید که برای محاکمه آنها؛ چرا که مدیران جراید محاکم عادی را دادگاهی صالح برای رسیدگی به جرایم مطبوعاتی نمی‌دانستند، اما تقاضای تصویب این قانون مجدد رد شد و قوام‌السلطنه طی اعلامیه‌ای به جراید توصیه کرد که تا زمان تصویب هیئت منصفه در مجلس، با حسن وقار و وطن‌پرستی رفتار کنند و در ضمن تهدید نمود که در غیر این صورت دولت ناچار است هر روزنامه‌ای که از حدود نزاکت خارج شده و به حمایت بی‌رویه مبادرت ورزد تا زمان تشکیل محکمه صالحه آن روزنامه را تعطیل کند.<sup>۲۱</sup>

در واقع قوام‌السلطنه به گونه‌ای مجوز لازم را برای توقیف جراید به بهانه عدم تشکیل دادگاه صالحه با حضور هیئت منصفه به دست گرفت (برخی اسناد این مقاله نیز در این خصوص است)، اما الگوی ثابت سقوط پی‌درپی کابینه‌ها به وی امان نداد و او در ۵ بهمن ۱۳۰۱ استعفاء داد.

کابینه مستوفی‌الممالک پس از تشکیل، به نخستین وعده خود، که همان قانون هیئت منصفه بود، عمل کرد؛ سرانجام این قانون در ۱۰ قوس ۱۳۰۱ به تصویب مجلس رسید و تا حمل ۱۳۰۳ اعتبار آن تعیین شد. نخستین جریده‌ای که با حضور هیئت منصفه محاکمه شد شکایت احمدشاه از فرخی، مدیر **طوفان**، بود که به پیشنهاد رضاخان شاه شکایت خود را پس گرفت.

بعد از کابینه مستوفی‌الممالک، حال نوبت خود رضاخان بود که پس از ۲ سال عهده‌دار بودن وزارت جنگ، رئیس‌الوزاری بی‌چون و چرا گردد. این امر در ۱۳ آبان ۱۳۰۲ محقق شد و رضاخان در هیئت دولت تصویب نامه‌ای صادر کرد که به موجب آن تظلمات به جراید و مطبوعات بی‌اثر می‌ماند؛ و بدین ترتیب آزادی مطبوعات در دوره رئیس‌الوزاری رضاخان و پس از آن از میان رفت.<sup>۲۲</sup>

اسنادی که در ادامه می‌آید مربوط به توقیف جراید و واکنش مدیران آن در عرایض ارسال شده به مجلس در **فاصله کودتای ۱۲۹۹** تا رئیس‌الوزاری رضاخان در ۱۳۰۲ خورشیدی است.

### شرح اسناد<sup>۲۳</sup>:

اسناد شماره ۷-۱: هفته‌نامه اجتماعی **تهذیب**، به مدیریت میرزا سلیمان خان خسروی که در سال -های ۱۳۴۰-۱۳۳۸ق/ ۱۳۰۰-۱۲۹۸ خورشیدی چاپ و نشر می‌یافت در اواسط کار خود دچار توقیف شد.<sup>۲۴</sup> سند شماره ۱ شکایت خسروی به مجلس از توقیف جریده خود توسط قوام‌السلطنه است، سند شماره ۲ اظهار

21. ذاکر حسین، همان، ص ۹۴.

22. ه. ن، ص ۹۶.

23. مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، اسناد عرایض دوره ۴ کارتن ۲۶ جزوه -دان ۱۳، پوشه ۳.

24. رک به قاسمی، فرید؛ راهنمای مطبوعات ایران، (عصر قاجار ۱۲۵۳ق/ ۱۲۱۵ش تا ۱۳۰۴ش)، تهران، رسانه‌ها، ۱۳۷۲، ض ۱۰۲؛ برزین، مسعود؛ شناسنامه مطبوعات ایران (۱۲۱۵ تا ۱۳۲۷)، تهران، بهجت، ۱۳۷۱، ص ۱۳۶؛ صدر هاشمی، محمد؛ تاریخ جراید و مجازات ایران، اصفهان، کمال، ج دوم، ۱۳۶۳، ج ۲، ص ۱۵۱.

تظلم وی به مجلس و تقاضای رفع توقیف جریده خود است، سند شماره ۳ استعلام مجلس از وزارت معارف در خصوص علت توقیف جریده تهذیب و سند شماره ۴ جوابیه وزارت معارف به مجلس مبنی بر توقیف جریده تهذیب به دستور مستقیم رئیس الوزراء و عدم دخالت وزارت معارف در این رابطه است. سند شماره ۵، شکوائیه خسروی به مجلس پس از جوابیه وزارت معارف مبنی بر توقیف جریده وی به دستور رئیس الوزراست و سند شماره ۶ پیگیری مجلس از رئیس الوزرا در خصوص سابقه توقیف تهذیب و سند شماره ۷، عریضه چهارم خسروی به مجلس پس از رفع توقیف جراید دیگر و تقاضای آزادی جریده خود، است.

\*\*\*

سند شماره ۸: مجله خبری گلشن که توسط سیدمحمدرضا امیر رضوانی در سال-های ۱۳۱۳-۱۲۹۶ش/۵۳-۱۳۳۵ق. به صورت هفتگی منتشر می‌شد،<sup>۲۵</sup> در سال ۱۲۹۹ش/۱۳۳۹ق و در زمان کابینه سیدضیاء طباطبایی توقیف شد، چرا که امیر رضوانی از مخالفین سرسخت سید ضیاء بود و به وی حمله می‌کرد. گلشن بار دیگر در ۱۳۰۱ش. شد. این جریده از بهترین جراید پایتخت بود که مقالاتی در مدح و ذم اشخاص به چاپ می-رساند و تا زمان مرگ امیر رضوانی (۱۳۱۴ش) کم و بیش منتشر می‌شد.<sup>۲۶</sup> سند شماره ۸ مربوط است به توقیف نخست این جریده توسط سیدضیاء، شکایت او از این امر و تقاضای رفع توقیف جریده مزبور.

\*\*\*

سند شماره ۹: روزنامه سیاسی خبری ستاره ایران به مدیریت حسین صبا، کمال‌السلطان در بین سال -های ۴۷-۱۳۳۳ق/۱۳۰۷-۱۲۹۴ش. منتشر می‌شد.<sup>۲۷</sup> این جریده که سردبیری آن را شیخ علی دشتی بر عهده داشت ارگان تشکیلات دموکرات‌های ضد تشکیل و هواه خواه جمهوری بود.<sup>۲۸</sup> و مقالاتی در دفاع از برقراری جمهوریت و انزجار از سلطنت قاجار به چاپ می‌رساند. روزنامه ستاره ایران در دوره رئیس الوزرای سردار سپه دو بار توقیف شد؛ یکبار در میزان ۱۳۰۱ بعد از حملات شدید روزنامه‌ها به مجلس و دولت. در پی بازخواست صبا توسط رضاخان او از «نادر شدن رضاخان» سخن می‌گوید که به درگیری فیزیکی رضاخان با او در باغ شاه و توقیف روزنامه‌اش منجر می‌شود.<sup>۲۹</sup> محمدتقی بهار در روزنامه بهار در این رابطه می‌نویسد: «روزنامه‌جاتی که می‌خواهند نادر درست کنند مستحق همین معاملات اند».<sup>۳۰</sup>

ستاره ایران دومین بار در جواز ۱۳۰۲ نیز توقیف شد. حسین صبا در ۳ میزان ۱۳۰۳ وفات یافت اما طبق تصمیم شورای عالی فرهنگ امتیاز ستاره ایران به میرزا ابوالقاسم‌خان اعتصام‌زاده منتقل شد و تا سال ۱۳۰۶ انتشار یافت. سند شماره ۹ مربوط است به اعتراض عده‌ای از مدیران جراید از جمله وحید اصفهانی به تعطیل شدن ستاره ایران توسط حکومت و مجلس.

\*\*\*

اسناد شماره ۱۰-۱۱: هفته‌نامه سیاسی، اجتماعی، خبری قانون به مدیریت اسدالله حسین‌زاده رسا و سردبیری ابوالحسن خدابنده‌لو در سال -های ۱۳۳۲-۱۳۰۰ خورشیدی در تهران منتشر می‌شد.<sup>۳۱</sup> قانون چندین بار گرفتار توقیف شد که مهم-ترین آن در دلو ۱۳۰۲ بود و بار دیگر به دلیل تحصن حسین‌زاده رسا در

25 . راهنمای مطبوعات، ص ۲۰۷، شناسنامه مطبوعات، ص ۳۴۳.

26 . تاریخ جراید و مجلات، ج ۴، ص ۱۶۴-۱۶۳.

27 . راهنمای مطبوعات ایران، ص ۱۵۲.

28 . شناسنامه مطبوعات ایران، ص ۲۳۶.

29 . تاریخ جراید و مجلات، ج ۳، ص ۱۹.

30 . روزنامه بهار، ۳ میزان ۱۳۰۱، نقل از همان.

31 . راهنمای مطبوعات ایران، ص ۱۹۳، شناسنامه مطبوعات ایران، ص ۳۱۴.

۱۳۰۵ در مجلس، این جریده ۴ سال در توقیف ماند و در ۱۳۰۹ به صورت فکاهی و کاریکاتور چاپ می شد. **قانون** از شهریور ۱۳۰۲ خورشیدی به عنوان ارکان حزب دموکرات ایران تا ۱۳۳۳ منتشر شد. گفتنی است رسا، به شدت با آنچه «جمهوری قلابی» می خواند در دوره پهلوی اول مخالفت می کرد و همین دلیل برای توقیف روزنامه وی در دوره زمامداری سردار سپه کافی بود.<sup>۳۲</sup>

سند شماره ۱۰ نامه حسین زاده رسا به مجلس و درخواست توضیح مجلس از وزارت معارف در خصوص علت توقیف جریده وی است و سند شماره ۱۱ استعلام مجلس از وزارت معارف در این رابطه است، اما پاسخ وزارت معارف در این مجموعه موجود نیست.

\*\*\*

سند شماره ۱۲: هفته نامه سیاسی - انتقادی سیاست که به مدیریت عباس اسکندری و سردبیری باقر تبریزی در سالهای ۱۳۰۰ تا ۱۳۲۱ منتشر می شد در دوره جمهوری - خواهی رضاخان به دلیل مخالفت با طرح جمهوری توقیف شد. گفتنی است عباس اسکندری پس از کشته شدن عشقی، در مجلس متحصن شد و بعد از شهریور ۱۳۰۲ این نشریه به عنوان ارکان حزب توده منتشر می شد.<sup>۳۳</sup>

نشریه **سیاست** پس از انتشار دو شماره نخست خود در محرم ۱۳۴۰ بدون محاکمه توقیف شد<sup>۳۴</sup> و سند شماره ۱۲ مربوط به اولین توقیف همین نشریه سند، شماره ۱۲/۱ نامه اسکندری در خصوص خسارت وارده به او به واسطه توقیف نشریه اش است.

\*\*\*

سند شماره ۱۳: روزنامه خبری **مینو** که صدرالمدرسین شهیدی، ملقب به مینو، صاحب امتیاز آن بود به مدیریت میرزا علی خان سهیل در سال -های ۱۳۰۰ و ۱۳۰۱ در مشهد چاپ و نشر می یافت.<sup>۳۵</sup> هر چند صدر هاشمی تاریخ انتشار آن را در ۱۳۳۲ ق (۱۲۹۲ ش) می داند اما سند شماره ۱۳، که مربوط به سال ۱۳۰۰ ش است، نشان می دهد که **مینو** دست کم در این سال نیز منتشر می شده، است. سند مزبور نامه علی سهیل، مدیر **مینو**، به مجلس در خصوص پاسخ ندادن دولت به سؤال مندرجه در روزنامه **اتحاد و مینو** است. گفتنی است روزنامه **اتحاد** و مینو دولت را به علت توقیف غیرقانونی و بدون محاکمه جرید مؤاخذه کرده بودند.

\*\*\*

اسناد شماره ۱۵ - ۱۴: تقاضای شخصی به نام میرزا هادی بصیر از مجلس است مبنی بر دریافت امتیاز چاپ و نشر جریده ای به نام **ندای اسلام** جهت درج مقالات اسلامی در آن.

دو جریده با عنوان «**ندای اسلام**» در تاریخ مطبوعات ثبت شده است؛ نخست روزنامه ای که سیدضیاءالدین طباطبایی در ۱۳۲۵ ق در شیراز منتشر می کرد و دیگر جریده ای که علی اصفهانی در سال ۱۳۰۴ خورشیدی در اصفهان به چاپ می رساند.<sup>۳۶</sup> اما با وجود اینکه تقاضای میرزا هادی بصیر، قبل از جریده علی اصفهانی و در دوره مجلس چهارم مطرح شده و با توجه به اینکه وی قصد خود را صرفاً بیان فلسفه احکام اسلامی بیان می کند، مجوزی برای چاپ به این عنوان در سال ۱۳۰۰ به او داده نشده است و در حقیقت تقاضای او در مجلس نیز بی پاسخ مانده است.

\*\*\*

اسناد شماره ۱۸ - ۱۶: اسداله فروهری روزنامه اجتماعی، اقتصادی، ادبی **آسیا** را در سال ۱۳۰۱ در تهران و به صورت هفتگی چاپ می -کرد. در سند شماره ۱۶ مدیر این جریده پیش از انتشار آن از مجلس تقاضای صدور مجوز نشر را کرده است. در سند شماره ۱۷ مجلس صدور این مجوز را خارج از وظیفه خود می داند و

32 . تاریخ جرید و مجلات ایران، ج ۴، ص ۱۰۵ - ۱۰۲.

33 . شناسنامه مطبوعات ایران، ص ۲۴۶، راهنمای مطبوعات ایران، ص ۱۵۷.

34 . تاریخ جرید و مجلات ایران، ج ۳، ص ۵۱.

35 . راهنمای مطبوعات ایران، ص ۲۲۵، شناسنامه مطبوعات، ص ۳۸۳.

36 . تاریخ جرید و مطبوعات، ج ۴، ص ۲۸۲ - ۲۸۱؛ راهنمای مطبوعات ایران، ص ۲۳۲؛ شناسنامه مطبوعات، ص ۳۸۹.

وی را به وزارت معارف ارجاع می‌دهد. در سند شماره ۱۸ تقاضای مجدد فروهری است مبنی بر رسیدگی به تقاضای وی پس از یک ماه معطل نمودن او از سوی وزارت معارف.

سند شماره ۱۹: روزنامه خبری، سیاسی، اقتصادی **ایران امروز** به مدیریت علی سهیل، که پیش‌تر سردبیر نشریه مینو بود، در سال ۱۳۰۱ در تهران منتشر می‌شد و همانگونه که در ذیل عنوان آن قید شده بود این روزنامه طرفدار «طبقه کارگر» بود.<sup>۳۷</sup> این سند شکایت علی سهیل، مدیر جریده **ایران امروز** در خصوص توقیف جریده مزبور توسط هیئت دولت بدون برگزاری محاکمه و خلاف قانون نشان می‌دهد.

\*\*\*

اسناد شماره ۲۳-۲۰: میهن جریده‌ای سیاسی و فرهنگی بود که هفته‌ای دوبار توسط ابوطالب شیروانی در سال‌های ۱۲۹۸ تا ۱۳۰۴ منتشر می‌شد. گفتنی است شیروانی در دوره ششم نماینده مردم اصفهان در مجلس شورای ملی بود.<sup>۳۸</sup>

سند شماره ۲۰ شکایت مدیر جریده مزبور به مجلس شورای ملی است مبنی بر حمله ازان‌ها - و به گفته وی اراذل و اوباش - به دفتر روزنامه به دستور رئیس الوزراء شکایت وی از رئیس سابق دولت، قوام‌السلطنه، شامل اعتراض به توقیف جریده او و غارت اداره روزنامه و منزل وی به دستور رئیس الوزراء (سند شماره ۲۱)، نامه مدیر جریده **میهن** به رئیس الوزراء جدید، وثوق‌الدوله، در خصوص اقدامات قوام‌السلطنه علیه او (سند شماره ۲۱ / ۱) و همچنین صورت خسارت‌های وارده به وی به واسطه توقیف جریده و حمله به اداره روزنامه و منزلش (سند شماره ۲۱/۲) است و سند شماره ۲۲ نامه دوم مدیر روزنامه **میهن** به مجلس، بعد از مطرح شدن لایحه هیئت منصفه و شکایت از پایان نیافتن توقیف روزنامه است. سند شماره ۲۳ شکایت بیش از سی نفر از خاندان شیروانی به مؤتمن‌الملک، رئیس مجلس شورای ملی، از توقیف سه ماهه جریده **میهن** است. اسناد شماره ۲۳/۱ و ۲۳/۲ نیز تلگراف‌هایی هستند از اتحادیه محصلین مدارس اصفهان و عده‌ای از طرفداران شیروانی برای تقاضای رفع توقیف **میهن**.

\*\*\*

سند شماره ۲۴: روزنامه **شفق سرخ** به مدیریت علی دشتی در اسفند ۱۳۰۰ انتشار یافت و در ۱۳۰۱ شمسی مانند دیگر جراید به دستور قوام‌السلطنه توقیف گردید و مجدد منتشر شد.<sup>۳۹</sup> این سند، شکایت پانزده نفر از مدیران جراید از توقیف غیرقانونی جریده **شفق** توسط رئیس الوزراء است.

سند شماره ۲۵: شکایت ده نفر از مدیران جراید از جمله مدیر **شفق**: سرکشیک‌زاده، مدیر **اتحاد**: شیروانی، مدیر **میهن**: عباس اسکندری، مدیر جریده **سیاست**: فرخی، مدیر **طوفان**: عباس حیدری، مدیر **اقدام**: مدیر روزنامه شهاب و عده‌ای دیگر در شکایت از نقص قانون اساسی توسط دولت در جریان توقیف‌های غیرقانونی جراید است.

\*\*\*

سند شماره ۲۶: نامه سرکشیک‌زاده، مدیر روزنامه اتحاد، نمایندگی از مدیران جراید توقیف شده به مجلس شورای ملی در خصوص اقدامات غیرقانونی قوام‌السلطنه، رئیس الوزراء، توقیف جراید بدون برگزاری محاکمه و تقاضای وی از مجلس مبنی بر استیضاح قوام است.

\*\*\*

اسناد شماره ۳۱-۲۷: یکی از مکان‌هایی که در ارتباط با جراید به هیئت دولت، نظمیۀ اعتراض می - کردند، مطابع بودند. در این بخش اسناد مربوط به این اماکن آمده است. سند شماره ۲۷ شکایت مدیران اتحادیه کارگران مطابع از اقدام هیئت دولت در خصوص توقیف ۲۰ جریده است که به بیکار شدن ۲۰۰ نفر از کارگران مطابع انجامیده است. سند شماره ۲۸ شکایت مدیر اتحادیه کارگران مطابع از اداره نظمیۀ است که با قوه قهریه را حبس و کارگران مطبعه روشنائی، آنها را مجبور به طبع جراید **ستاره ایران گلشن و نجات ایران** کردند. سند شماره ۲۹ پاسخ ریاست وزراء به مجلس در خصوص اقدام اداره نظمیۀ است؛ چرا که انگشت اتهام در صدور چنین دستوری به سوی رئیس الوزراء بود. وی در این جوابیه، این مسئله را تکذیب و محرکین را در ارتباط با جراید توقیفی معرفی می‌کرد. در سندی دیگر (سند شماره ۳۰) عده‌ای مدیران مطابع تهران از سیدمحمد دهگان و مدیر جریده **اقتصاد ایران**، شکایت نمودند که آنها (کارگران

37

. راهنمای مطبوعات ایران، ص ۸۷؛ شناسنامه مطبوعات، ص ۶۷؛ تاریخ جراید و مطبوعات، ج ۱، ص ۳۲۵.

38

. راهنمای مطبوعات ایران، ص ۲۲۵؛ شناسنامه مطبوعات، ص ۳۸۳، تاریخ جراید و مجلات، ج ۴، ص ۲۵۰-۲۴۵.

39

. تاریخ جراید و مجلات ایران، ج ۳، ص ۷۶-۷۵.



مطابع مزبور) را به سبب مخالفت با توقیف جراید به تعطیل چاپ خانه‌ها تحریک می‌کند. و سند بعدی اظهار نظر دهگان، مدیر اتحادیه کارگران مطابع است، که پیش‌تر از او شکایت شده بود (سند شماره ۳۱).

\*\*\*

اسناد شماره ۳۳-۳۲: هفته‌نامه سیاسی، ادبی و خبری **حیوة جاوید** به مدیریت و سردبیری میرزا آقا فلسفی اصفهانی در سال ۱۳۳۷ قمری در تهران منتشر می‌شد و در ۷ دلو ۱۲۹۹، دو ماه در محاق توقیف افتاد. گفتنی است این جریده از سال ۱۳۰۱ با عنوان **حیات ایران** منتشر می‌شد.<sup>۴۰</sup> اسناد مربوط به توقیف آن شامل نامه‌ای به امضاء و مهر ۹۴ نفر از طرفداران این جریده است که از توقیف غیرقانونی آن شکایت دارند (سند شماره ۳۲) و سند دیگر نامه فلسفی اصفهانی، مدیر آن، به مجلس است مبنی بر تقاضای رفع توقیف آن جریده. شایان ذکر است فلسفی در این نامه اشاره می‌کند که علت توقیف این جریده بیان حقایق در باب وزارت جنگ، یعنی رضاخان، است (سند شماره ۳۳).

\*\*\*

سند شماره ۳۴-۳۵: روزنامه سیاسی، خبری **ایران آزاد** که توسط سیدابراهیم ضیاء الواعظین در سال ۱۳۰۰ در تهران به طور روزانه منتشر می‌شد به علت مقالات تند وی در سال ۱۳۰۱ توقیف و مجدد در سال ۱۳۰۲ منتشر شد. گفتنی است چون ضیاء الواعظین از طرف مردم شیراز به نمایندگی دوره پنجم برگزیده شد این روزنامه تا سال ۱۳۰۹ منتشر نشد.<sup>۴۱</sup>

سند شماره ۳۴ در رابطه با توقیف آن در سال ۱۳۰۱ توسط قوام‌السلطنه است. ضیاء الواعظین در این نامه آزادی مطبوعات را به مجلس شورای ملی متذکر شده است، و سند شماره ۳۵ نامه مجدد وی به مجلس پس از یک ماه توقیف آن جریده و اظهار طلب خسارت وارده به وی به واسطه توقیف جریده خود می‌باشد.

\*\*\*

سند شماره ۳۶: روزنامه سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و خبری **کار** به مدیریت ابوالفضل لسانی در سال ۱۳۰۲-۱۳۰۱ در تهران هفته‌ای سه بار چاپ می‌شد. لسانی پیش‌تر مدیریت **اقتصاد ایران** را بر عهده داشت. سند شماره ۳۶ شکایت اتحادیه مرکزی کارگران است که از تصاحب روزنامه **اقتصاد ایران** توسط قوام‌السلطنه، رئیس الوزراء، شکایت داشته و تقاضا می‌کنند که ممنوعیت نشر جریده توسط لسانی، برداشته شود و جریده **کار** لغو توقیف گردد.

\*\*\*

سند شماره ۳۷: هفته‌نامه سیاسی، اجتماعی **صبح امید** توسط میرزا محمدتقی ادیب خراسانی، مدیر پیشین جریده **زاینده‌رود**، در سال‌های ۱۳۰۵-۱۲۹۹ خورشیدی در اصفهان منتشر می‌شد. او در تلگرافی در سال ۱۳۰۱ به مجلس توقیف جریده‌اش را اعلام و تقاضای رفع توقیف آن را کرده است. سند شماره ۳۸: یکی از موضوعات مهم دیگری که مدیران جراید در عرایض خود به مجلس مطرح می‌کردند عدم صدور مجوز انتشار جریده مورد نظر آنها بود. در نامه‌ای شخصی به نام سید ابوالفضل، وکیل عدلیه، از عدم مجوز انتشار جریده وی با عنوان **عصر خونین** به مجلس شورای ملی شکایت دارد؛ هر چند طبیعی است که در آن شرایط متصدیان وزارت معارف از صدور مجوز برای جریده-ای با چنین عنوانی خودداری نمایند.

\*\*\*

[سند شماره ۱: شکایت خسروی، مدیر جریده تهذیب، در شکایت از توقیف جریده خود توسط قوام‌السلطنه]

تهران

اداره جریده تهذیب

مورخه ۲ شهر ذی‌الحجه ۱۳۳۹

به پیشگاه مقدس نمایندگان دارالشورای ملی شیدالله ارکانه

40 . شناسنامه مطبوعات ایران، ص ۱۶۸؛ راهنمای مطبوعاتی ایران، ص ۱۲۹-۱۲۸؛ تاریخ جراید و مجلات، ج ۲، ص ۹-۲۳۸.

41 . راهنمای مطبوعات ایران، ص ۸۷؛ شناسنامه مطبوعات ایران، ص ۶۷؛ تاریخ جراید و مجلات، ج ۱، ص ۲۴-۳۱۸.

در این موقع که نمایندگان ملت چوب ارتجاع خورده ایران در کار تشدید مبانی مشروطیت و استحکام مرام آزادی و استقلال می‌باشند آقای قوام‌السلطنه رئیس الوزراء بدون مجوز قانونی و بدون محاکمه جریده تهذیب را توقیف نموده است. محترماً از حضور نمایندگان استدعا می‌نماید و رفع این ظلم را خواستار است و اگر خدای نخواست از نمایندگان و پارلمان مشروطه ایران مأیوس شوم، توسل به اجانب و سفارت-خانه‌های خارجه خواهم جست، تا حق خود را استرداد نمایم.

خسروی

[سند شماره ۲: اظهار تظلم خسروی، به مجلس در خصوص توقیف جریده تهذیب و تقاضای رفع توقیف آن]

مورخه ۷ شهر ذیحجه ۱۳۳۹

اداره جریده تهذیب- طهران

پیشگاه مقدس نمایندگان دارالشورای ملی شیدالله ارکانه

کجا دانند حال ما سبک باران ساحلها- ثانیاً از پیشگاه مقدس نمایندگان ملت مظلوم ایران رفع ظلم و اختناق را که آقای قوام‌السلطنه رئیس الوزراء بر من و بر جریده من وارد آورده خواستارم.

تهذیب دارای امتیاز مخصوص است و مخصوصاً پس از کودتا خود آقای قوام‌السلطنه اجازه انتشار آنرا داده‌اند به غرض شخصی یا برای اثبات قدرت بدون محاکمه و مجوز قانونی توقیف نموده‌اند.

از محضر پاک نمایندگان تقاضای رسیدگی- محاکمه- یا آزادی می‌نمایم.

خسروی

[سند شماره ۳: استعلام مجلس از وزارت معارف در خصوص علت توقیف جریده تهذیب]

نشان شیر و خورشید

به تاریخ ۲۵ برج اسد ۱۳۰۰

مجلس شورای ملی

۲۲ شهر محرم ۱۳۳۹

وزارت جلیله معارف و اوقاف

بدیهی است توقیف روزنامه تهذیب متکی به جهاتی که مستلزم این اقدام شده بوده است معهداً برای اینکه در مقابل تظلماتی که از این جهت به مجلس شده جواب محکمی داده شود متمنی است علت توقیف را اعلام فرمائید- رئیس مجلس شورای ملی- دبیرالممالک

[سند شماره ۴: جوابیه وزارت معارف به مجلس در خصوص توقیف جریده تهذیب به دستور مستقیم رئیس الوزراء و عدم دخالت وزارت معارف در این رابطه]

نشان شیر و خورشید

تاریخ ۷ برج سنبله ۱۳۰۰

وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه

ریاست محترم مجلس شورای ملی شیدالله ارکانه

در جواب مرقوم نمره (۷۳۰) راجع به توقیف روزنامه تهذیب محترماً اشعار می‌دارد که توقیف (تهذیب) از ناحیه ریاست وزراء عظام بوده و مستقیماً توسط نظمییه توقیف کرده‌اند و وزارت معارف در امر توقیف به هیچ وجه دخالتی نداشته است و از علت هم به کلی بی‌خبر است.

[مهر: وزارت معارف و اوقاف]

[امضاء ناخوانا]

[سند شماره ۵: شکوائیه خسروی به مجلس پس از جوابیه وزارت معارف مبنی بر توقیف جریده وی توسط رئیس الوزراء، قوام‌السلطنه]

مورخه ۲۷ شهر ذیحجه ۱۳۳۹

اداره جریده تهذیب- طهران

ضمیمه: سواد مراسلات وزارت معارف است

مقام منبع ریاست شورای ملی دام شوکه

پس از توقیف طولانی و تحمل خسارت‌های طاقت فرسا و حق‌کشی هیئت دولت و بی‌انصافی رئیس‌الوزراء در موقع افتتاح مجلس وزارت جلیله معارف آن جواب را به من می‌دهد متأسفم که مرجع تظلم من معلوم نیست کجاست و من از این ظلم فاحش نمی‌دانم به کجا و چه کسی تظلم کنم - آیا دولت می‌تواند دکان پنبه‌دوزی را بدون محاکمه و تقصیر توقیف کند فریاد از این آزادی و من بالاخره این ناله و فریاد را در تمام دنیا منتشر خواهم کرد و منتظر باشید که به دست مردمانی گرفتار شوید که ابدأ به شماها رحم نکنند همین طور که امروز شما به من و امثال من رحم نمی‌کنید.

خسروی

### [سند شماره ۶: پیگیری مجلس از رئیس‌الوزراء (قوام‌السلطنه) در خصوص سابقه توقیف جریده تهذیب]

نشان شیر و خورشید

مجلس شورای ملی

ریاست محترم وزراء عظام دامت شوکه

مدیر روزنامه تهذیب اخلاق در تحت عنوان اینکه قبل از اشاعه روزنامه امر به توقیف آن داده شده که لذا به مجلس متظلم و بالاخره مراتب از وزارت معارف استعلام شده و جواباً می‌نویسند که توقیف (تهذیب) به امر مستقیم حضرت عالی که گفته و نظر به اصرار مشارالیه در وصول جواب تمنا می‌شود قدغن فرمایند مجلس شورای ملی را از سابقه قضیه مستحضر فرمایند تا ایراد جواب شود.

رئیس مجلس شورای ملی - دبیرالممالک

### [سند شماره ۷: عریضه چهارم خسروی به مجلس پس از رفع توقیف جراید و تقاضای آزادی تهذیب]

اداره جریده تهذیب - طهران

مورخه ۱۷ شهر ذیحجه ۱۳۳۹

مقام منبع ریاست دارالشورای ملی دام ظلله العالی

این چهارمین عریضه ایست که برای جلب مساعدت حضرت اشرف عریضه عرض کردم و استمداد می‌خواهم اینک با وجودیکه بدون محاکمه و مقدمه جریده تهذیب را آقای قوام -السلطنه به امر خودشان توقیف نموده -اند هنوز آزاد نکرده -اند و از این توقیف خسارت کلی که هر ذی‌حسی تصدیق می‌کند بر من وارد آورده -اند و با اینکه سایر جراید را آزاد کرده -اند توجهی به خسارت من نمی‌کنند اگر حضرت اشرف هم که رئیس یک مجلس ملی هستید برای احقاق حق من کمکی نمی‌کنید آن را هم اعلام فرمائید تا دیگر مزاحم نشوم و اگر میل به احقاق حق دارید به توصیه، مرا آزاد نمایید.

خسروی

[حاشیه پائین: ثبت سابقه شود]

### [سند شماره ۸: شکایت محمدرضا امیر رضوانی، مدیر جریده گلشن، نسبت به توقیف جریده خود توسط سیدضیاء و تقاضای رفع توقیف آن]

طهران

تاریخ بیستم ذی -القعدة الحرام ۱۳۳۹

پیشگاه رفیع مجلس مقدس شورای ملی شیدالله ارکانه

استرحاماً عرض می‌دارد که دو روز است روزنامه گلشن را نظمیّه حسب -الامر آقای رئیس‌الوزراء بدون محاکمه و تعیین علت توقیف نموده صرف نظر از اینکه توقیف روزنامه ولو به مدت کمی هم باشد خسارت هنگفتی وارد می‌آورد این اقدام که بر -خلاف قانون است در موقعی که خوش بختانه دارالشورای کبری ملی رسماً افتتاح می‌شود و مبعوثین ملت برای دادخواهی جمعیت بر کرسی -های بهارستان استقرار می‌یابند غیر -قابل تحمل است لذا از پیشگاه منبع مجلس شورای ملی و کرسی -نشینان کعبه آمال عمومی دادخواهی نموده است استدعا می‌نمایند که هر چه زودتر دولت را از ارتکاب این اقدام خلاف واقع متنبه و منع نموده و وسائل خروج از توقیف جریده گلشن را فراهم آورند. ی. رضا ۰۴/۰۸

[حاشیه پایین: اقدام شود.]

سند شماره ۹: اعتراض عده‌ای از مدیران جراید به تعطیلی ستاره ایران توسط حکومت نظامی و شکایت از سکوت مجلس در این

خصوص]

۷ شهر صفر ۱۳۴۰

مقام منبع مجلس شورای ملی شیدالله ارکانه

حادثه ليله هفتم شهر جاری و جلب آقای صبا مدیر محترم جریده ملی و آزاد ستاره ایران از طرف حکومت نظامی طهران و تعطیلی و توقیف اول روزنامه عصر حاضر در تمام ایران منحصرأً موجبات تنویر افکار ملت را فراهم می - نماید بزرگترین لطمه ایست که در دوره چهارم مجلس شورای ملی بر اساس مشروطیت و قانون اساسی مطبوعات وارد شده و سکوت مجلس و مجلسیان در این واقعه مهمه ملت کش قانون شکن مشروطیت بر باد ده یأس کلی را در قلوب صاف عموم ایرانیان نسبت به این اساس مقدس ایجاد خواهد نمود.

وحید اصفهانی - سید مرتضی - مجید معتمد - احمد الموسوی. [ و سه امضاء ناخوانا ]

[ حاشیه پایین ] حسب الامر ضبط شود ۱۳۰۱/۰۷/۲۰

سند شماره ۱۰: درخواست حسین زاده، مدیر جریده قانون، از مجلس شورای ملی مبنی بر توضیح مجلس از وزات معارف درخصوص

توقیف جریده مزبور]

۱۴ ذی حجه ۱۳۳۹

مقام منبع مجلس مقدس دارالشورای کبری ملی ایران شیدالله ارکانه

واضح است یگانه مرکز قانون مجلس مقدس دار شورای ملی است و هیچ حکومتی در برابر مجلس شورای ملی حق وضع و فسخ قانون ندارد و نظر به اینکه حکومت حاضره عملاً مخالف با این اصل مهم مشروطیت نموده و در روشی - که نسبت به مطبوعات اتخاذ نموده چندین قسمت مهم قانون اساسی را پایمال نموده است از مجلس مقدس شورای ملی درخواست می - کنم موافق وظیفه - در وظیفه - ای که در حفظ قوانین دارید قضیه ذیل را از دولتی [ دولت ] توضیح بخواهید.

جریده قانون که امتیاز آن موافق قانون مطبوعات در بدو تشکیل کابینه خود از طرف وزارت معارف به اینجانب داده شده بود به چه علت قانونی و موافق کدام ماده در مواد قانون اساسی توقیف گردید.

آیا این قصاص قبل از جنایت نیست؟

آیا این عملیات مستبدانه مخالف با اصول مشروطیت نیست؟

مدیر جریده قانون حسین-زاده

[ سند شماره ۱۱: نامه مجلس به وزارت معارف مبنی بر استعلام از علت توقیف جریده قانون قبل از انتشار آن ]

نشان شیر و خورشید

مجلس شورای ملی

به تاریخ ۲۸ برج اسد ۱۵ شهر ذی حجه ۱۳۳۹ تخافوی ئیل

۱۳۰۰

وزارت-خانه جلیله معارف و اوقاف

آقای حسین-زاده پدر جریده قانون متظلم است که امتیاز روزنامه مزبور جدیداً داده شده و قبل از اینکه طبع و توزیع شود و امر به توقیف آن گردیده در ضمن تقاضای اعلام علت توقیف قبل از انتشار استعلام شود چون تقاضای مشار الیه بی - مورد نیست تمنا می - شود از سابقه این امر مجلس شورای ملی را مطلع فرمایند.

[سند شماره ۱۲: شکایت عباس اسکندری، مدیر روزنامه سیاست به مجلس مبنی بر توقیف جریده خود بدون محاکمه و خلاف قانون]

اداره روزنامه «سیاست»

خیابان شاه آباد

تهران

مقام مقدس ریاست مجلس شورای ملی شیدالله ارکانه

در میان یک مورد لطماتی که در ادوار فترت به وطن وارد آمده آنکه از همه سنگین تر و متضمن نابرابریست و وخیمتر از همه جلوگیری از جرائم و بدین وسیله اختناق آزادی افکار و عقاید بوده.

در هر دوره زمامداری اندیش-ناک بود که اعمال او به معرض اطلاع عموم گذاشته شود و متناسب با شئامت و سیالت خود کوشش می-نمود که بوسایل قهر و غلبه توسل جوید به طوری که خاطر مبارک مستحضر است بنیان این رویه در کابینه آقای وثوق الدوله شروع شد از آنجا که اساس حکومت ملی را آزادی افکار عقاید ... [ناخوانا] تشکیل می-دهد طبعاً انتظار می-رفت که مرتفع گشتن کابوس سیاست قهر و غلبه با افتتاح مجلس شورای ملی توأم بود مصونیت افراد از هوا و هوس زمامداران و فرمانروایی قانون در هر دو لازم و ملزوم حکومت ملی است برقرار گردد. متأسفانه تجربیات خلاف این مسئله ثابت کرد و معامله را با روزنامه آزاد (سیاست) نموده-اند ثابت می-نماید که در افتتاح مجلس شورای ملی نیز سیاست قهر و غلبه را ادامه داد. جریده سیاست دو قضیه حیاتی را به عرض اطلاع عامه گذاشته و در آن بحث نموده بود یکی طریق حل مسأله خراسان که اهمیت آن برای هیچ وطن پرستی مجال افکار نیست و دیگری طرز معامله که در افتتاح مجلس شورای ملی و با بیت-المال مسلمین شود لکن همانطور که در ادوار فترت معمول بوده جلوگیری از طبع این جریده آزاد نموده بدین معنا که از طرف نظمی از مطابع التزام گرفته شده و جریده سیاست را طبع ننمایند.

نظر به اینکه جلوگیری از نشر جراید بدون محاکمه مخالف اصل هشتم قانون اساسی است و نظر به اینکه مجلس شورای ملی فقط واضع و حافظ قانون شناخته می-شود مستدعی است که امر مقرر فرمایند در طبع و انتشار جریده مزبور مخالفت به عمل نیآورند. در خاتمه برای استحضار ذات مقدس اعلام می-دارد که من آرزومند مندرجات جریده سیاست در محاکمه صلاحی دار موضوع محاکمه واقع گشته حقایق کشف شود.

مدیر جریده سیاست

امضاء [ناخوانا]

ثبت شود ۱۳۰۰/۰۶/۲۷

[سند شماره ۱۲/۱: نامه عباس اسکندری، مدیر جریده سیاست در خصوص خسارت وارده به او به واسطه توقیف جریده اش]

تاریخ پنج شنبه ۸ سنبله ۱۳۰۱

مقام محترم ریاست مجلس شورای ملی شیدالله ارکانه

نظر به اینکه از طرف ریاست الوزرای وقت مطبعه متصرفی حیات توقیف گردیده است.

چون مخالف صریح قانون اساسی و اصل شانزدهم است خاطر مبارک را مستحضر می-سازد که روزی پنجاه تومان خسارت مطبعه به طور عادی است و بایستی تکلیف بنده معین شود که خسارت مطبعه را از که مطالبه نمایم.

در خاتمه استدعا دارم بنده را مستحضر فرمایند اصول قانون اساسی راجع به حقوق ملت ایران چیست؟ و مسئول او کیست؟

مدیر جریده سیاست

عباس اسکندری

[سند شماره ۱۳: درخواست علی سهیل، مدیر جریده مینو از مجلس مبنی بر پاسخ دولت به پرسش مطرح شده در جریده اتحاد و مینو

در خصوص علت توقیف غیر-قانونی و بدون محاکمه جراید]

مورخه ۶ برج ۱۳۰۰

اداره روزنامه یومیه تهران

اخبار وارده بدون تعطیل در ظرف ۲۴ ساعت منتشر می-شود

مقام منبع ریاست مجلس شورای ملی راست شد که

از آنجائیکه اغلب توجه خسارات خطیر مالی به خزینۀ دولت بواسطه ابهام قضایای سیاسی و اختلال امورات و هر امری به نوبه خود باید تشخیص داده شود تا از تعبیرات و ترجمه -های مسخره محفوظ و مصون ماند و در این موقع نظیر کامل این معنی سؤال مندرجه در روزنامه اتحاد است که سریعاً تشخیص هویت موضوع لازم است و از نقطه نظر اینکه سؤال مزبور علاوه بر آنکه حسن اثر نکرد موجب توقیف جریده ملی نیز شد - با تجدید مطلع در روزنامه مینو نیز جلب توجهی از هیئت پارلمانی ننموده است - لذا به این وسیله جواب مقطوع قانونی مواد سؤال مندرجه در روزنامه اتحاد (که برای ملت و مملکت جواب سؤال مزبور لازم و مخصوصاً در این موقع نافع است) خواسته و متمنی است برای اطلاع عامه علاقه -مندان مقرر فرمایند در یکی از جرائد مرکزی درج و اشاعه یابد - برای یادآوری یک فقره از روزنامه اتحاد و مینو را لفاً ارسال داشته در خاتمه تکرار می -نماید که افکار عمومی در قرائت عقیده و کلاً در این زمینه فوق -العاده بی -صبرند بدیهی است غفلت را جایز نخواهند دانست.

سهیلی مدیر روزنامه مینو

[ سند شماره ۱۴: تقاضای میرزا هادی بصیر از مجلس شورای ملی مبنی بر اجازه چاپ و نشر جریده‌ای با عنوان ندای اسلام به وی ]

ساحت مقدس مجلس شورای ملی شیدالله ارکانه

بنده میرزا هادی بصیر نظر به اینکه جرائد را تماماً مادی دیده درصدد بوم که امتیازی به نام (ندای اسلام) گرفته و مقالات اسلامی توسط اشخاص -بصیر و با اطلاع تهیه کرده و طبع نمایم. در تعقیب این مقصود لیله دوشنبه ۲۴ دلو تقاضای امتیاز روزنامه به نام مزبور از وزارت معارف کرده و وزارت معارف که امر به صدور امتیاز فرموده مطابق پرگرام انطباعات التزام و وجه تمبر اداره معارف از حقیر گرفته پس از نوشتن امتیاز آقای وزیر معارف از امضاء ورقه امتیازنامه امتناع ورزیدند و وجهش را منع دولت از دادن امتیاز اظهار کردند هر چه حقیر اظهار داشته این منع دولت بعد از صدور اجازه حقیر بود مسموع نیفتاد و حقیر قریب به پنجاه تومان خسارت داده -ام البته با رعایت انصاف و معدلت راضی نخواهیم شد که این ضرر به بنده وارد شود و از وزارت معارف صدور امتیاز مزبور را خواهند فرمود.

هادی

[ سند شماره ۱۵: نامه میرزا هادی بصیر، متقاضی اجازه نشر جریده ندای اسلام در شکایت از وزارت معارف مبنی بر عدم صدور اجازه

نامه مزبور ]

مقام منبع ریاست مجلس شورای ملی دامت شوکته و عظمته

این بنده میرزا هادی نظر به اشتیاقی که به عالم معارف -پرووری از راه جریده -نگاری داشته و از طرفی تمام جرائد را دیده لذا در صدد برآمد که جریده به -نام (ندای اسلام) که فقط نگاشتن فلسفه احکام اسلام بوده باشد امتیازش را گرفته از این راه خدمتی به عالم اسلام و معارف نموده باشم در تعقیب این مقصود در روز دوشنبه ۲۴ دلو تقاضانامه به وزارت معارف داده و آقای وزیر معارف هم امر به صدور امتیاز نموده اداره معارف هم مطابق مقررات قانون از حقیر الزام و وجه تمبر را گرفته و امتیاز -نامه نوشته آقای وزیر معارف امتناع از امضاء بر امتیاز کردند و وجهش را منع دولت از دادن امتیاز عنوان کردند هر چه اظهار داشتیم که این منع دولت بعد از دادن اجازه حقیر است مسموع نیفتاد اینک از راه معدلت خواهی حضرت اشرف مستدعی چنان -که امر و مقرر فرمایند که وزارت معارف امتیازی را که صادر کرده -اند مرحمت نمایند.

هادی

[ حاشیه پائین: ] وزارت معارف مراجعه شود ۱۳ حوت ۱۳۰۰ [امضاء ناخوانا]

[ سند شماره ۱۶: نامه اسدالله فروهری به مجلس شورای ملی مبنی بر تقاضای صدور مجوز نشر جریده‌ای به نام آسیا ]

مقام منبع مجلس شورای ملی شیدالله ارکانه

محترماً خاطر هیئت مقدس را مسبوق و مستحضر نماید نظر به علاقه‌مندی که اینجانب به وطن عزیز خود دارم و بر هر فردی از افراد لازم است که خدمتی به ملک و ملت و معارف نماید

در چندی قبل درخواست امتیاز (آسیا) بوزارت جلیله معارف نمودم پس از تحقیقات لازمه از وزارت جلیله درخواست بنده را قبول و موکول به وعده فرمودند بدبختانه از آنجائیکه زمامداران نمی خواهند ایران ترقی کند درخواست بنده را به عمل تعویق افتاد در صورتی که مطابق اصل ۲۰/۱۸ قانون اساسی جرائد و مطبوعات آزاد است لذا متمنی است امر مقرر فرمایند بوزارت جلیله معارف که پس از خسارات وارده تحمیل شده امتیاز مزبور را مرحمت فرمایند چنانچه حقیقتاً

مملکت ایران مشروطه است و دارای پارلمان است قصاص قبل از جنایت ممکن نیست جریده نگاران دیگر برخلاف رویه رفتار و سایرین باید سیاست شوند. اینجانب ملتزم می‌شوم مطابق قانون مطبوعات و مشی دولت رفتار نموده و برخلاف رویه و سیاست دولت مطبوعه رفتار ننمایم.

اسدالله فروهری

[حاشیه پایین]: سرچشمه جنب کوچه میرزا محمود وزیر

**[سند شماره ۱۷: جوابیه مجلس به فروهری مبنی بر عدم امکان صدور مجوز نشر جریده از سوی مجلس و ارجاع وی به وزارت معارف]**

نشان شیروخورشید

مجلس شورای ملی

تاریخ ارسال ۲۷ برج اسد ۱۳۰۱

عنوان کاغذ: آقای میرزا اسدالله خان فروهری. مقصد و عنوان پاکت: سرچشمه جنب کوچه میرزا محمود وزیر  
از شرح مراسله شما راجع به درخواست امتیاز روزنامه (آسیا) مستحضر چون اقدام این قبیل امورات از وظیفه مجلس خارج است مقتضی است مراتب را به وزارت-خانه مربوطه مراجعه و نتیجه حاصل نمائید. [امضاء]

**[سند شماره ۱۸: تقاضای مجدد فروهری در خصوص صدور مجوز نشر جریده آسیا]**

مورخه ۱۳ برج اسد

مقام مقدس و کلاهی محترم مجلس شورای ملی شیداله ارکانه

در تعقیب معروضه مورخه ۱۴ سرطان ۶ راجع به درخواست امتیاز روزنامه آسیا مع -الاحترام از پیشگاه مقدس آن ریاست محترم استدعا می -نماید که بعد از یک ماه معطلی و تحمل مابقی خسارت مقرر فرمائید در جواب تقاضای بنده آنچه را سزاوار می -دانند صادر و خاطر بنده را از این بابت آسوده بفرمائید.

[امضاء] اسدالله فروهری

۱۳۰۱/۱/۱۶

چون مراجعه سابقه توقیف شده باید نظر به مقام محترم ریاست جلب تا تکلیف معلوم شود.

**[سند شماره ۱۹: شکایت علی سهیل، مدیر جریده ایران امروز، در خصوص توقیف جریده وی توسط هیئت دولت]**

۱۳۰۱/۴/۱۸

جریده یومیه امروز ایران ۱۷ سرطان

مقام محترم مجلس شورای ملی شیدالله ارکانه

روزنامه امروز ایران از طرف هیئت دولت در عصر دوشنبه توقیف گردید از هیئت دولت استفسار اینک از آن مقام مقدس هم سؤال می -شود. و از آنجائیکه روزنامه زبان ملت است متوقع است که سریعاً جواب مرحمت فرمایند دولت علاوه از آنکه طرف سه روز است که علت را معین ننموده وقتی را هم برای محاکمه تعیین نکرده است.

چون این حرکت نابهنجار دولت که متوازن با هیچ اصل قانونی نیست با وجود (پارلمان) در انظار ملت صورت تخریبی را دارا شده است.

مستدعی است خیلی زود رفع انتظارات اهالی را دادن جواب ممنون دارید.

بوزارت معارف فرستاده شود. [امضاء ناخوانا] مدیر امروز ایران [امضاء] علی سهیل

[حاشیه: به وزارت معارف فرستاده شود. ۲۰ سرطان [امضاء]

**[سند شماره ۲۰: شکایت مدیر جریده میهن مبنی بر حمله برخی به دفتر جریده وی به دستور رئیس الوزراء]**

به تاریخ ۲۵ برج سرطان ۱۳۰۱

اداره روزنامه «میهن تهران»

مقام مقدس مجلس شورای ملی شیدالله ارکانه

الساعه که در خانه خود نشسته و این مشروحه را می-نویسم امنیت جانی ندارم

دیشب یک ساعت قبل از نصف شب یک عده آژان به مطبوعه و دفتر روزنامه وارد شده علاوه بر حرکات خارج از رویه روزنامه -های یومیه و هفتگی میهن را توقیف و صفحات چیده شده را پخش می-نمایند.

سپس یک عده ارازل و اوباش به دفتر اداره هجوم نموده و اظهار می-دارند با اجازه رئیس-الوزراء آمده سزای میهن را بدهیم همین که اجزاء اداره پلیس احضار می-کنند حمله-کنندگان متواری شده بعد از چند ساعتی باز در حوالی اداره دیده شده -اند. این است وضع امنیت جانی و مالی مردم در پایتخت مملکت با حضور اداره شورای ملی !

با احترامات فائقه مدیر و مؤسس

[امضاء: ناخوانا]

[سند شماره ۲۱ شکایت مدیر جریده میهن به مجلس از رئیس الوزراء سابق، مبنی بر دستور توقیف و حمله به اداره روزنامه و منزل وی]

به تاریخ ۲۸ برج دلو ۱۳۰۱

اداره روزنامه میهن تهران

۱۳۳۹/۱۱/۲۹

نمره ۲۳۱

مساحت مقدس مجلس شورای ملی شیدالله ارکانه

خاطر محترم نمایندگان ملت از لطماتی که به دست رئیس سابق دولت از حیث توقیف روزنامه و غارت اداره، منزل و تعقیبات و تضييعات قانون -کشانه بر بنده وارد گردید به نحوی مسبوق در همان اوقات نیز کتباً بوسیله مقام محترم ریاست مجلس شورای ملی جزئیات به عرض رسیده است اکنون که یک حکومت صالحی جدیداً به روی کار آمده است شرحی به عنوان تظلم و دادخواهی به مقام رئیس محترم دولت عرض شده اینک سواد آن از نظر آن نمایندگان محترم می-گذرد و انتظار می-رود که تأکیدات لازم در جبران خسارات و لطماتی-که به بنده وارد شده رسماً از طرف مجلس شورای ملی به عمل آید.

موسس و مدیر میهن خان-السلطان

[حاشیه] از نظر ریاست بگذرد ۲۶ حوت ۱۳۰۱ امضاء [ناخوانا]

[سند شماره ۲۱/۱: نامه مدیر جریده میهن به رئیس الوزراء، و ثوق الدوله در شکایت از توقیف جریده وی توسط رئیس الوزراء سابق،

قوام السلطنه]

به تاریخ ۲۸ برج دلو ۱۳۰۱

اداره روزنامه میهن تهران

مقام منبع ریاست وزراء عظام دامت شوکه

محل تردید نیست در مهم-ترین وظیفه دولت حفظ جان و مال و ناموس اهالی مملکت است

در اوایل کابینه سابق روزنامه-های هفتگی و یومیه میهن بدون یک مجوز قانونی فقط به میل و اراده دولت توقیف و در طی سه ماه معادل دو هزار و هفتصد تومان خسارت متوجه بنده گردید. در دوازدهم محرم که جمیع جراید توقیف شده، آزاد گردید روزنامه میهن نیز شروع به انتشار نموده و رسماً دولت امر به توقیف آن صادر گردید - به این لطمه بزرگ قناعت نشده با استحضار بلکه با اشاره دولت به منزل و اداره بنده مورد تاخت و تاز چند نفر از طرفداران دولت واقع تقریباً دوازده هزار تومان دیگر به خسارات اولیه افزوده و بواسطه هجوم اشراار به منزل شخصی یک جنین شش ماهه سقط گردیده است.

اینکه عرض می-کند «با اشاره دولت» بی مأخذ نیست - زیرا دو روز قبل از حدوث واقعه به بنده خبر دادند که شیخ حسین لنگرانی، حبیب المجاهدین و شکوة اسارات (سردسته-های حمله-کنندگان) در منزل - آقای قوام السلطنه برای حمله به اداره میهن از میرزا قاسم خان دستور گرفته -اند - به علاوه روز قبل از وقوع خسارت رئیس دولت سابق در مجلس در موقع طرح قانون موقتی هیئت منصفه اظهار داشتند که «یک عده در محض روضه -خوانی منزل-های امام جمعه خوی اظهار داشته-اند که باید مدیر میهن کشته شود و خانه او غارت گردد و از این رو لازم است قانون هیئت منصفه به صورت فوریت به تصویب مجلس برسد!» در صورتی که به هیچ وجه چنین گفتگویی در منزل آقای امام جمعه نشده بود این پیش بینی ساختگی آقای قوام السلطنه در پشت تریبون راپورت واصله بنده را تأیید نمود.

بنابراین بیست و چهار ساعت پیش از آنکه به اداره و منزل بنده حمله شود کتباً به رضاعلی خان معاون نظمیه خبر دادم که: منزل و اداره و جان و مال من در معرض خطر است و اداره نظمیه موظف می-باشد که مرا محافظت نماید.



صبح آن روزی که مقارن غروب به اداره بنده حمله نمایند یک نفر آژان بدون اسلحه از طرف کمیساریا درب اداره فدوی فرستاده شد- بنده مجدداً به نظمیه و کمیساریا خبر دادم که یک نفر آژان بی اسلحه کافی نیست و تا عصر آنچه تقاضا و التماس نمودم اثر نبخشید از علاج خود فدوی در منزل یک نفر از نمایندگان پناهنده شد. و خطری که هر ساعت نزدیک می - شد به آقای وزیر جنگ تلفن نمودم ایشان هم نظمیه تلفنی توجیه نمودند که به فوریت یک عده آژان برای جلوگیری به منزل بنده بفرستید با این حال نظمیه اقدامی نکرده تا آنکه یک عده بیست نفری بر دسته‌گی اشخاص فوق -الذکر که قبلاً اسامی آنها را به بنده خبر داده بودند در حضور همان یک نفر آژان به اداره میهن ریخته میز و صندلی و فرش و پرده و تمام اسناد و نوشتجات و دفاتر را یغما نموده سپس باندرول که جنس اداره است، هجوم آورد یک اطاق را غارت، وقتی حالت رقت آور زنها را مشاهده می - کند دیگر به سایر اطاق -ها نرفته مراجعت می - نماید در موقع مراجعت آنها و خاتمه امر غارت یک عده بیست و پنج نفری آژان مسلح می -رسد و بدون تعرض احدی تماشای غارت -گران را می -نمایند.

پس از چند ساعت یکی از زنه‌های منزل که در شرف مرگ بوده جنین سقط و خودش به کمک دکترها از مردن نجات می -یابد.

قطع نظر از اینکه فدوی دولت را مسبب این واقع و سایر وقایعی که در آن موقع اتفاق افتاد می - دانم و یقیناً این حقیقت در نزد حضرت اشرف بر همه کس مشهود است - به هر حال دولت که مسئول فقط - جان و مال اهالی است باید جلوگیری نماید، جبران خسارت وارده بر افراد را بکند.

در هر صورت هنوز جراحات وارده با زور فضل -اله خان از پیکر بنده مرتفع نشده بود به این جراحات شدید مواجه گردیدم و البته تصدیق می -فرمائید که یک فرد ضعیف در زیر این لطمات محو و نابود خواهد شد و با وجود شخص حضرت اشرف که شرافتمندترین عنصر ایرانی به شمار می -رود دولت حاضر عهده دار است به هر نحو صلاح داند قراری در تادیه خسارات وارده فدوی بدهد

اینک صورت خسارات در لحاظ مبارک گذشته و نهایت بی صبری انتظار تعیین تکلیف خود را دارم.

**[سند شماره ۲۱/۲ صورت خسارت وارده به مدیر جریده میهن در جریان توقیف و حمله به جریده او]**

به تاریخ ۲۸ برج ۱۳۰۱

اداره روزنامه میهن

تهران

توضیحات	مبلغ		شرح خسارات
	تومان	قران	
صورت جداگانه هم هست که قلم به قلم معین نموده است	۲۷۰۰	—	از بابت توقیف سه ماه اول کابینه سابق
این دو فقره حداقل و تقریبی است	۸۳۳ ۹۷۲		اثاثیه اداره مطابق صورت جداگانه
این اسناد و دفاتر که حاوی صورت مطالبات اداره از مشترکین ولایات بوده به غارت رفته است و البته ممکن نیست که محاسبه سه ساله نهصد سند مشترک را بدون صورت فسخ فهمید و در حقیقت معادل ده هزار تومان مطالبات اداره در این دفتر است و باید دفتر جدیدی برای آتیه باز نمود.	۱۰۰۰۰		اسناد و دفاتر اداری که فقدان آنها سبب خسارت گریده تقریباً
	۱۴۵۰۵		

**[سند شماره ۲۲: نامه دوم مدیر روزنامه میهن بعد از طرح لایحه هیئت منصفه از سوی هیئت دولت]**

به تاریخ ۱۱ برج قوس ۱۳۰۱

اداره روزنامه میهن تهران

مقام منبع حضرت اشرف آقای مؤتمن -الملک رئیس مجلس شورای ملی دامت عظمته

وقتی جواب یأس -آمیز عریضه -های خود را از طرف حضرت اشرف زیارت نمودم حمل بر بی - اعتنایی و طفره نکردم بلکه به نام اثبات به غرض و عدم ماجراجویی تصمیم گرفتم مدتی سکوت اختیار و کنج اختفاء بسر برم اکنون پنجاه روز است در گوشه حبس اختیاری بسر برده و ضمناً رفع سوءتفاهمات آقایان علماء را هم بهر طریقی بوده نموده -ام - ولی آقای قوام -السلطنه به عقیده خود باقی هستند ....

اینک که قانون (یک پهلوی) هیئت منصفه هم گذشت دیگر به بنده چه می - گویند - چرا اجازه روزنامه بنده را نمی‌دهند؟ چرا رفع تعرضات خود را از بنده نمی‌کنند؟

می‌دانند هر گاه یک نفر مظلوم و (حساس) عرضه شک شود چه خواهد کرد؟ ممکن است اگر بیش از این به بنده فشار بیاید طوری شود که اوقات گرانبه‌ای حضرت اشرف زیادتر تضییع گردد.

هر کس دست از جان شوید آنچه به دل دارد بگوید!

منتظر جواب و نتیجه فوری هستم با احترامات فائقه خان السلطان

مقام ریاست وزراء عظام فرستاده شخصی که پس از گذشتن قانون هیئت منصفه مقتضی است در آن قضیه اقدام نموده که حکومت در هر امری با قانون باشد

۱۷ قوس ۱۳۰۱

امضاء

[ سند شماره ۲۳ نامه بیش از سی نفر از خاندان شیروانی به رئیس مجلس، مؤتمن الملک در شکایت از توقیف ۳ ماهه جریده میهن ]

مقام منبع ریاست محترم دارالشورای ملی شیدالله ارکانه

سه ماه بلکه متجاوز است که یک روزنامه ملی را عوامل ارتجاع بدون یک مجوز قانونی توقیف نموده و از انتشار افکار جریده جوان -فکران جلوگیری به عمل آمده است.

سکوت ما در این مدت متمادی و عدم اظهار تظلم به مقامات مربوطه و حضور حضرت اشرف برای این بود که می‌خواستیم به تدریج القاء شود و سوء تفاهمی

که نسبت به آقای خان -السلطان شیروانی رخ داده بود برطرف گردیده و مردم بدانند تمام این قضایای اخیر به دستور مخالفین سیاسی میهن و اوامر ناحیه

مخصوص در آن مدخلیت تام داشته است. اکنون که از مراسم حجج -الاسلام و حسن مساعدت رفقای صمیمی و علاقه -مندان جریده ملی میهن به شهادت رفع

و مطالب مشکوف گردیده و عام مردم خصوصاً روحانیون محترم به کنه این قضایا پی برده و از نیرنگ -ها و دسیسه -های مخالفین سیاسی مدیر محترم میهن

آگاه گردیده -اند ما امضاء کنندگان از طرف عموم فامیل شیروانی لازم می -دانیم به حضور حضرت اشرف اظهار تظلم نموده و از شما آقای مؤتمن -الملک استدعا

نمائیم که: در یک مملکت مشروطه با بودن دارالشورای ملی و مراکز قانونی شایسته نیست بیش از این یک روزنامه ملی دچار چنگال ارتجاع گشته و برای خاطر

فلان خودپرست مرتجع سه ماه از انتشار افکار جلوگیری به عمل آید.

«حضرت اشرف باید بدانند این توقیف -ها این خلاف قانونها و این حرکات مرتجعانه با افتتاح دارالشورای ملی تنفرت عمومی را نسبت به دوره چهارم تقنینیه

جلب و نمایندگان محترم را اشخاص وظیفه -ناشناسی به جامعه معرفی می‌نمایند.»

فامیل شیروانی جداً از حضرت اشرف رفع توقیف از روزنامه ملی میهن را تقاضا دارد.

منتظر جواب عریضه هستیم مسعود شیروانی

امضاء [ ۳۱ نفر ]

[ سند شماره ۲۳/۱: تلگراف اتحادیه محصلین مدارس اصفهان در شکایت از توقیف جریده میهن و تقاضای رفع توقیف آن ]

[ نشان تاج و شیر و خورشید ]

اداره تلگرافی دولت علیه ایران، نمره تلگراف ۳۲۶، تاریخ ۱۵ دلو ۱۳۰۱

مقام مقدس دارالشوری ملی کپیبه حضرت اشرف سردار سپه کپیبه ایران، کپیبه ستاره ایران، ایران کپیبه، اتحاد کپیبه بهارستان بنام حریت و آزادی قلم جداً از مقام

مقدس پارلمان انتظار رفع توقیف جراید ملی میهن طوفان ایران آزاد را داریم اتحادیه محصلین مدارس اصفهان. ضبط شود به هیئت معرفی شود

۲۱ دلو ۱۳۰۱ یعقوب الموسوی

[ سند شماره ۲۳/۲: تلگراف عده‌ای از طرفداران شیروانی از اصفهان در شکایت از توقیف جریده میهن و تقاضای رفع توقیف آن ]

[ نشان تاج و شیر و خورشید ]

اداره تلگرافی دولت علیه ایران، نمره تلگراف ۴۳۳، تاریخ ۱۸ دلو ۱۳۰۲

مقام مقدس دارالشوری ملی شیداله ارکانه کپیہ ریاست محترم وزراء کبیر ایران، کپیہ ستاره ایران، کپیہ بهارستان، کپیہ اتحاد جواب تلگراف نمبر ۵۶۳ زیارت با بودن ہیئت منصفہ در آن موقع مدیر محترم میهن در کدام محکمہ قانونی محاکمہ گردیدہ کہ توقیف روزنامہ او محرز گردد چون برخلاف مدلول قانون اساسی توقیف شدہ آزادی و انتشار آن را جداً خواهانیم صحیح است. محمد مسعود شیروانی، سراج -السلطان، نصرالله دواساز، اقل حاجی میرزا احمد محقق حسین دین، موسوی، سیدمحمد بروجردی، جواد نظام زاده، محمدتقی صدری، احمد شیروانی، باقر عراقی، سعید شیروانی، عبدالله وزیرزاده، حسن وثیق زاده، حسین مستشارفر، محمد جواد شیروانی.

### [سند شماره ۲۴: شکایت یازده نفر از مدیران جراید در شکایت از توقیف غیر قانونی جریده شفق توسط رئیس الوزراء]

بسمه تعالی ۱۳۰۱/۰۶/۱۷

ساحت محترم ریاست مجلس شورای ملی شید-الله ارکانه

در بدو افتتاح دارالشورای هیچ کس حق ندارد به باغ -های شخصی خویش اعمال اقتداری نماید و بدین وسیله حیثیات مجلس و نمایندگان را کہ در مبدأ قوه مقننه مملکت هستند جریحه دار و قانون را فدیہ اغراض شخصی خود قرار دهد. حضرت اشرف آقای رئیس الوزراء بدون هیچ -گونه منطوق و یقین اولاً افغانان نسبت به جرایدی کہ تعرض به اغراض و نوامیس اشخاص و مقامات را سرمایہ خود قرار دادند نبود ولی دیدہ می -شود جریدہ شفق سرخ - همان شفقی کہ از اولین زمان طلوع خود وارد تعصبات نگردیدہ و صفحات شنیع خود را به فصاحت تاریک نمودہ همان شفقی کہ به جبر مصالح حالیہ مملکتی را بر صفحات جریدہ به حرکت نیاوردہ همان شفقی کہ در مقام نصیحت پس از ابراز حقایق هر کس را به وطن خواهی تحریض می -نمود اینک بدون علت موجهی توقیف گردید ما امضاء کنندگان با علاقہ -مندی به مجلس شورای ملی انتظار وقوع این اعمال را کہ شکنندہ قانون و میرا شدہ روح آزادی است نداشته و جداً تقاضای جلوگیری به حفظ حقوق می -نماییم و السلام.

[امضاء پانزده نفر از مدیران جراید]

### [سند شماره ۲۵: شکایت ۱۵ نفر از مدیران جراید از نقض قانون از طرف رئیس الوزراء]

مورخہ یکشنبه یازدهم محرم ۱۳۴۱

مقام محترم ریاست دارالشورای ملی

نظر به اینکه در ملاقات خصوصی لیلہ هشتم محرم از طریق مقام ریاست وعده داده شدہ بود و فردا یازدهم محرم جلسہ تشکیل شدہ بود بنابراین بود مدیران جراید هیچ -گونه اقدامی در خصوص نقض قانون اساسی کہ از طرف دولت شدہ است نمودہ -اند.

قطع نظر از خسارات مادی و معنوی کہ نسبت به افراد و حیثیات مدیران جراید در این موضوع شدہ است چون این مسئلہ از قضایای حیاتی و مربوط به آزادی و قانون اساسی است مدیران جراید نمی -توانند نسبت به این قضیہ ساکت بمانند و بنابراین از مقام محترم انتظار داریم کہ بر طبق وعده مقررہ فردا یازدهم محرم جلسہ خصوصی تشکیل شود و چنانچہ این قضیہ صورت عمل به خود نگرفت ما مدیران جراید از تشبث به اقداماتی کہ برای حفظ و صیانت اصول مشروطیت وجداناً ذمہ -دار هستیم خودداری نخواهیم نمود.

[با امضاء ده نفر از مدیران جراید]

### [سند شماره ۲۶: نامه سرکشیک زاده، مدیر روزنامه اتحاد، از طرف جراید توقیف شدہ، به مجلس شورای ملی مبنی بر تقاضای استیضاح]

#### قوام السلطنہ در رابطہ با عملکرد وی در توقیف جراید]

توسط حضرت والا شاهزادہ سلیمان میرزا نمایندہ محترم پارلمان

وکلای دارالشورای ملی

در این موقع کہ قوام السلطنہ بدون مجوز قانونی حملہ به آزادی کردہ و تقریباً بیست روزنامہ را موافق نظریات خصوصی فرد توقیف نمودہ است لازم است اهمیت مسئلہ را از پیشگاہ نظر آقایان محترم بگذرانیم تا تصور نرود کہ قضیہ تنها عبارت از توقیف ہفت روزنامہ و یا برای فحاشی و حملہ به سیاست خارجی بودہ است و نیز تصور کردہ کہ این ہیاہو را مدیران جراید توقیف شدہ برپا کردہ و قصد آنها رفع توقیف جراید خود بودہ است.

البتہ بر احدی پوشیدہ نیست کہ قانون اساسی یگانہ وثیقہ -ای است کہ با خون گرانہای جوانان ایرانی در شانزده سال قبل تحصیل شدہ و یقین است کہ آقایان نمایندگان علاقہ کامل بہ حفظ اصول و مواد آن داشتہ و بر حسب وظیفہ مکلف هستند کہ از قانون اساسی دفاع نمایند. بنابراین لازم است شرح حملہ کہ قوام -السلطنہ بہ جراید ملی کردہ است از نقطہ نظر قانون است در تحت دقت و مطالعہ درآید. موافق اصل ہفتم، نہم، دوازدهم، سیزدهم، پانزدهم، شانزدهم،

هفدهم، بیستم، هفتاد و نهم، متمم قانون اساسی که اساس مشروطیت تعطیل بردار نیست و افراد عموم از هر نوع تعرض مصون هستند و هیچ مجازاتی نمی-شود مگر به موجب قانون و منزل و خانه هر کسی در حفظ و امان است و مالی را نمی -توان از دست صاحبش گرفت و ضبط اموال ممنوع است و سلب تسلط از اموال متصرفی ممنوع است و اصل بیستم و هفتاد و نهم قوام السلطنه از بدو تشکیل کابینه خود تا به حال بیست روزنامه را توقیف کرده و ادارات جراید را تفتیش کرده و جراید ما را از دست مورخین ضبط و مصادره نموده و تعرض به افراد ما کرده و از ما تقاضای امضای التزام نموده و تقریباً بوسیله این حمله نه اصل از قانون اساسی را نقض و پایمال کرده است.

آقایان و کلاء. اساس این مسئله این جا است که اگر تجاوزات دولت تا این حد باشد ما حرفی نداشتیم و تکلیف دولت را بر رفع توقیف جراید خود قبول کرده و سکوت می-نمودیم ولی مسئله این جا است که با بودن پارلمان و وجود و کلا یک همچو حمله به قانون اساسی اسباب نگرانی و فوق العاده تشویق آور است و بنا بر یک حکومتی که رعایت وثیقه ملی را ننماید اطمینانی از عملیات او نیست. آقایان و کلاء ملاحظه نکنید که یک دولتی یک اقدام غلطی کرده و کوشش نکنید راه حلی را در این زمینه بین ارباب جراید و قوام -السلطنه پیدا کنید زیرا یگانه راه حل و جبران این غلط کاری استیضاح از دولت وقت و اظهار عدم اعتماد به اوست.

آقایان اگر باز اعتماد به این دولت کنید قانون اساسی را فدای بقای دولت کرده و اساس مشروطیت را متزلزل ساخته‌اید آقایان با جرایدی که در لیل هفتم محرم توقیف شده -اند ابدأ حمله به شرافت اشخاص نکرده -اند. بر ضد سیاست خارجی فحش نداده -اند به دیانت جسارت نکرده -اند و چنانچه باور نمی -کنند یک شماره از جراید مذکوره ضمیماً تقدیم و مستحضر باشید.

آقایان، قوام السلطنه بواسطه عدم اعتنا به قانون اساسی سیزده روزنامه را به تدریج و هفت روزنامه را در لیل هفتم محرم و دو روزنامه و مطبعه ایران را روز هفتم توقیف و مهر و موم کرده و به توسط آژانهای نظمیّه تجاوزاتی نسبت به ادارات جراید کرده است.

بنابراین به نام حفظ و صیانت قانون اساسی تمنا داریم که دولت را از این حرکت خلاف قانون و آزادی استیضاح فرمائید و اظهار عدم اعتماد کنید و چنانچه این تقاضای مشروع ما صورت عمل به خود نگرفت مجبوریم که از جلوگیری بعضی عناصر تندرو و عملیاتی که ممکن است سوء عاقبت داشته باشد صرف نظر کنیم.

از طرف مدیران جراید توقیف شده

[امضاء] سر کشیک-زاده

[حاشیه پائین: ۱۷ سنبله ۱۳۰۱ توسط سلیمان میرزا رسیده

### [سند شماره ۲۷: شکایت اتحادیه مدیران مطابع از قوام السلطنه مبنی بر توقیف جراید و بیکار شدن آنها]

اتحادیه کارگران مطابع

۱۳۰۱/۰۶/۱۷

تاریخ ۱۴ سنبله ۱۳۰۱

مقام مقدس مجلس شورای ملی شیدالله ارکانه

نظر به اینکه تقریباً بیست روزنامه در مدت قلیلی از جانب دولت وقت توقیف شده است متجاوز از دویست نفر کارگران مطابع بیکار شده -اند چون هر یک از کارگران مزبور عهده-دار اعاشه چندین نفر هستند هیچ راه معاشی به غیر از حاصل دست رنج خود ندارند قهراً عده کثیری از بزرگ و کوچک فاقد وسایل حیات گردیدند در این اواخر هیئت دولت حاضر بدون هیچ گونه اصول و قوانینی جراید را توقیف و توده عظیمی را بی -نان کرده و این مسئله باعث فلاکت قسمت بسیاری از کارگران مطابع و خانواده-های بی-گناه آنها گردیده است.

لذا از مقام مقدس دارالشورای ملی شیدالله ارکانه متمنی هستیم که از وقوع این قبیل اقدامات بی -رویه که موافق هیچ اصولی نیست و باعث خسارت کارگران مطابع می-گردد و برخلاف قانون اساسی مملکت جلوگیری نمایند.

مطلب دیگر اینکه مطبوعات دولتی و ملی و سایر وزارت خانه -ها به طور تساوی در بین مطابع تقسیم نمایند زیرا که تبعیض در این مسئله که موجبات بیکار شدن قسمت عمده از کارگران مطابع را فراهم آورده است مستدعی هستیم در مسئله اخیر هم مجلس شورای ملی بذل توجهی فرموده و حل این قضیه منوط بر این است که دولت مطبوعات خود را به اتحادیه کارگران رجوع فرمایند تا اینکه کاملاً از روی استحقاق و استمداد مطابع اتحادیه مزبور کارهای دولتی را در بین مطابع تقسیم نمایند.

در صورتی-که تا روز شنبه جواب مساعدی راجع به مستدعیات فوق داده نشود عموم کارگران مطابع برای اظهار همدردی نسبت به همکاران خود که بیکارند مجبور به تعطیلی عمومی خواهد شد.

**[سند شماره ۲۸: شکایت مدیر اتحادیه کارگران مطابع از اداره نظمیة مبنی به طبع اجباری چند جریده]**

ریاست محترم دارالشورای ملی شیدالله ارکانه

اداره نظمیة دیشب با عده زیادی از آژانها چندین نفر از کارگران مطابع اجباراً به زور ته تفنگ مجبور به چیدن جراید ستاره ایران و گلشن و نجات ایران و ایران کرده دو نفر را هم حبس کرده است.

از آن مقام محترم متوقعیم که کارگرانی را که الساعه در مطبع روشنایی و محبس نظمیة محبوس هستند خلاص و آزاد نمایند چونکه این اقدام بر -خلاف آزادی شغل و شخص و بر ضد قانون اساسی است اقدام عاجل را خواستاریم.

[حاشیه پائین] مدیر اتحادیه کارگران مطابع

[امضاء ناخوانا]

۱۵ محرم الحرام ۱۳۴۱

[سند شماره ۲۹: جوابیه رئیس الوزراء به مجلس درخصوص طبع اجباری چند جریده در مطبعه روشنائی با فشار اداره نظمیة]

تاریخ ۱۶ برج سنبله ۱۳۰۱

نشان شیر و خورشید

ریاست محترم مجلس شورای ملی شیدالله ارکانه

ریاست وزراء

رقیمه محترمه متضمن سواد عرض حال مدیر اتحادیه کارگران مطابع عز وصول بخشیده اطلاعاتی که به این جانب رسیده - این است که دیشب یک عده از مدیران جراید تعطیل شده کارگران مطابع را از طبع جرایدی که دایر هستند بازداشته و جلوگیری نموده - اند پس از آنکه از طرف خود مطبعه تقاضای جلوگیری شد، به اداره نظمیة قدغن نمود که وسایل تأمین کارگران مطابع را فراهم نمایند که به آسایش به کسب و کار خود مشغول باشند امروز صبح به اداره نظمیة اطلاع دادند که دو نفر از کارگران با مدیران جراید تعطیل شده همدست بوده و سایر کارگرها اجباراً از کار بازداشتند و تحریک و اغوا به عدم طبع جراید می نمودند توقیف شده-اند با تلفن به اداره نظمیة گفته شد اطمینان از رفتار آتیه آنها حاصل نموده و آنها را مرخص نمایند این بود اطلاعات مخلص که برای استحضار خاطر محترم زحمت افزا گردید و یقین دارم اداره نظمیة اعضای مطبعه را مجبور به طبع روزنامه نکرده است لکن در صورتی که دوباره محرکین مانع از کسب و کار کارگران شوند و آنها به اداره نظمیة مراجعه نمایند البته از محرکین جلوگیری خواهد شد.

ایام شرکت مستدام باد

[امضاء ناخوانا]

**[سند شماره ۳۰: شکایت عده ای از مدیران مطلع از محمد دهگان و مدیر جریده دهگان، مبنی بر تحریک کارگران آنها به تعطیلی چاپ**

**خانه ها به منظور مخالفت با توقیف جراید]**

مقام منبع ریاست مجلس دارالشورای کبرای ملی دامت اقباله

محترماً خاطر مبارک را مستحضر می -دارد در خصوص توقیف جراید بعضی از مدیران جراید از قبیل سیدمحمدخان دهگان و مدیر اقتصاد ایران چند نفر از کارگران مطابع را ملاقات نموده و به آنها دستور داده -اند در مطابع را تعطیل نموده تا جراید از توقیف خارج شود عالییه اشخاص مفصله الاسامی ذیل در این صدد هستند که مطابع را تعطیل نموده و در سفارت روس و یا مجلس مقدس پناهنده شوند در صورتی که این دستور از سفارت روس داده شده چون روزنامه -های فوق از پول سفارت اداره می -شد البته پس از تحقیق معلوم خواهد شد.

باقر خان محمد حسین میرزا محمد معتمد

اجزاء مطبعه روشنائی مجلس مدرس

اشخاص فوق بعضی از کارگران مطابع را تطمیع نموده که در هفته آینده تعطیل نمایند. محض اطلاع خاطر مبارک و اینکه کارگران طهران مثل روسیه

بلشویکی نشوند عرض شد خوب است از اشخاص فوق جلوگیری نموده و نگذارند یک مملکتی را چهار نفر منقلب نمایند.

امر امر مبارک مستطاع

از طرف یک عده از کارگران مطابع که تعطیل خواهند کرد

**[سند شماره ۳۱: اظهار نظر دهگان، مدیر اتحادیه کارگران مطابع، درخصوص اختلافات پیش آمده در مطابع]**

گویا فلاکت و بدبختی-هایی که از یک سال قبل الی حال دامن-گیر مطابع و بالنتیجه شامل کارگران هم شده بر احدی از آقایان مدیران مطابع پوشیده نبوده و محتاج به اقامه دلیل نمی-باشد و همین طور این موضوع ثابت است سرچشمه این بدبختی مشترک فقط و فقط نفاق و شقاق بین رؤسا و صاحبان مطابع بوده است.

لذا لزوماً خاطر شریف را متذکر می-سازد تا ساعتی که به این نفاق و اختلاف خاتمه داده شود و بین رؤسا یک نفر ائتلاف و اتحاد مشروعی که تأمین منافع مطابع و کارگران نباشد ما کارگران مطابع خلاف مصالح خود می-دانیم که به کارهای خود مشغول شویم.

اتحادیه کارگران مطابع

امضاء دهگان

**[سند شماره ۳۲ شکایت ۹۴ نفر از طرفداران جریده حیات جاوید در شکایت از توقیف جریده مزبور]**

۱۳۰۱/۷/۷

توسط آقای حائری-زاده

ساحت مقدس مجلس دارالشورای ملی شیداله ارکانی

از قرار اطلاعات شایعه از طرف وزارت جلیله جنگ آقای آقا سید میرزا آقای فلسفی مدیر جریده و آقای دادرس مدیر جریده حیات را به جرم انتشار جریده حیات برخلاف تمام ترتیبات قانونی جلب و توقیف نموده -اند - با اینکه در مملکت مشروطه و قانونی جراید و ناشر افکار ملی آزاد است و چنانچه کاملاً به نگارشات و مندرجات جریده حیات مراجعه شود معلوم است که هیچ یک از فقرات و مندرجات آن برخلاف مصالح عمومی نبوده فرض اینکه جریده مزبور بر خلاف مصالح نامشروع یک وزارتخانه چیزی نوشته باشد جلوگیری از نگارشات و جلب و توقیف آن بایستی به حکم قانون موضوع از مجاری قانونی به عمل آید نه به عنوان (دیکتاتوری) و فاعل ما یشاعی اینک ما عموم امضاء کنندگان ذیل از طبقات مختلفه و کسبه سکنه بازار جداً و عاجلاً استخلاص و استرضای خاطر سید معظم له و آقای دادرس را از نمایندگان محترم مجلس دارالشورای ملی خواهانیم و چنانچه عاجلاً امر به استخلاص مشارالیهها و رفع توقیف جریده نفرمایید ناچاراً به یک سلسله اقدامات عملی مجبور خواهیم بود.

[مهر و امضاء ۹۴ نفر]

**[سند شماره ۳۳: نامه فلسفی اصفهانی به مجلس مبنی بر تقاضای رفع توقیف جریده خود]**

اداره روزنامه «حیوة جاوید» تهران

۱۳۰۱/۸/۱۶

۱۶ برج عقرب ۱۳۰۱

مقام منبع ریاست محترم مجلس شورای دامت تأییداته

معروض می-دارد البته خاطر مبارک مستحضر است که جریده حیات به جرم حق -گویی به امر اولیاء وزارت جنگ توقیف و تاکنون در رفع آن اقدامی نشده - متمنی است مقرر فرمائید بیش از این اقدامات خلاف عدل و انصاف را ادامه ندهند.

[امضاء] فلسفی اصفهانی

[حاشیه پایین:] به مقام وزراءعظام فرستاده شود ۱۷ عقرب ۱۳۰۱

[امضاء: ناخوانا]

**[سند شماره ۳۴: شکایت ضیاء الواعظین، مدیر جریده ایران آزاد، به مجلس از توقیف جریده خود توسط قوام السلطنه، رئیس الوزراء]**

مورخه ۵ برج عقرب ۱۳۰۱

شرکت روزنامه ایران آزاد

ضمیمه ندارد

طهران

نمره ندارد

نمره ۶۲۶

### مقام منبع ریاست مجلس شورای ملی دام اقباله

شب جمعه چهارم برج عقرب روزنامه ایران آزاد از طرف آقای قوام -السلطنه توقیف گردید. نظر به اینکه مجلس شورای ملی حافظ قانون و ناظر اعمال قوه مجریه مملکت است اداره ایران آزاد این اقدام غیر مشروع و خلاف قانون رئیس هیئت دولت را باطلاع آن مقام محترم رسانیده و ماده ۶۵ متمم قانون اساسی را تذکار بدهید.

[ حاشیه پائین]: سواد مقام ریاست وزراء عظام فرستاده شود ۸ عقرب ۱۳۰۱

یعقوب الموسوی

شکایت به مقامات رسمی در این قبیل امور بدون گرفتن نتیجه فوری از این توقیف موجب توهین نیست.

[سند شماره ۳۵: نامه ضیاء الواعظین به مجلس شورای ملی پس از یک ماه توقیف ایران آزاد، مبنی بر اظهار طلب از رئیس الوزراء به

واسطه خسارت وارده به وی از طبق توقیف جریده اش]

مورخه ۶ قوس ۱۳۰۱

شرکت روزنامه ایران

ضمیمه ندارد

طهران نمره ۷۰۶

۱۳۰۱/۰۹/۰۷

نمره ۴۹۰

۱۳۰۱/۰۹/۰۷

توسط مقام محترم ریاست مجلس شورای ملی دام اقباله

مقام منبع مجلس شورای ملی در تعقیب مراسله نمره ۶۲۶ مورخه ۵ برج عقرب تصریح می -دهد که اکنون متجاوز از یکماه است روزنامه ایران آزاد در حال توقیف است و چون از این رهگذر خسارت مهمی نسبت به مؤسسه روزنامه وارد آمده، اداره روزنامه خسارت مزبور را بعهده هیئت دولت دانسته و مطالبه خواهد نمود. در خاتمه احترامات فائقه

با سابقه به کمیسیون عودت دهند

۸ قوس ۱۳۰۱ یعقوب الموسوی

بعارض جواب داده شود چون مسئله حقوقی است بدلیه مراجعه نماید

دهم قوس ۱۳۰۱ یعقوب الموسوی

[حاشیه پائین]: به مقام ریاست وزراء عظام فرستاده کمیسیون محترم توضیح بدهند و در این امر توضیح بخواهند که جواب عارض مطابق قانون داده شود ۲۶

قوس ۱۳۰۱ یعقوب الموسوی

[سند شماره ۳۶: نامه اتحادیه مرکزی کارگران به مجلس شورای ملی در حمایت از ابوالفضل سانی، مدیر جریده کار و سردبیر سابق

جریده اقتصاد ایران، مبنی بر لغو ممنوعیت چاپ نشریه وی و تقاضای رفع توقیف جراید کار و ایران آزاد]

توسط آقای تدین نماینده محترم طهران

۱۶ عقرب ۱۳۰۱

نمره ۳۰۸۰

۱۳۰۱/۰۸/۱۶

مقام مقدس دارالشورای ملی شیدالله ارکانه

عملیات قانون -شکنازه رئیس دولت فعلی بقدری تکرار شده که حتی در ایام استبداد هم کمتر کسی پیدا می -شد که مرتکب این گونه خلافکاریها شود قوام

السلطنه روزنامه -های ملی که خط مشی او را تنقید نموده و او را لایق این مقام ندانسته -اند توقیف نموده و می -نمایند.

قوام-السلطنه برای شکستن قلم و بریدن زبان کارگران صاحب امتیاز اصلی روزنامه اقتصاد را تطمیع نموده و معظم له بدون آنکه مراعات مواد قرارداد را بنماید به اشاره قوام السلطنه و به حکم محتشم السلطنه جنت مکان روزنامه اقتصاد ایران را از ما گرفته است.

بالتر از همه اینکه در لیلۀ پنجشنبه بمطبعه که روزنامه اقتصاد طبع می -شده فرستاده و مقالات و زمینه-هایی که برای روزنامه (کار) به جای اقتصاد تهیه شده بود یک دوره چاپ کرده و برای قوام السلطنه برده -اند و پس از ساعتی متحد -المال شخصی از طرف نظمی به مطابع طهران ارسال شده که هیچ مطبعه حق طبع لایحه - بیانیه - فوق -العاده - روزنامه - مجله - کتاب حتی رساله! به اسم مدیر سابق اقتصاد (میرزا ابوالفضل لسانی) یا بستگان یا رفقا یا دوستانش یا به اسم کارگران را ندارند و در صورت طبع جداً مسئول خواهند بود.

نمایندگان محترم و کلاء آزادیخواه! آیا شما تصویب می -نمائید که در موقع باز بودن مجلس رئیس دولت اینطور قانون مقدس اساسی را نقض نماید؟ این اقدام قانون شکنانه در کدام مملکت سابقه دارد و به چه می -توان حمل کرد؟

ما عموم کارگران این حکم غیر -قانونی را منافی با اصول مقدس مشروطیت دانسته اولاً جداً تقاضا می -نمائیم که این حکم خلاف قانون قوام -السلطنه ( که میرزا ابوالفضل لسانی و تمام بستگان و دوستانش یا به اسم کارگران از هر قسم نشریات ممنوعند) بفوریت نقض گردد.

ثانیاً تمام جرائد ملی که در نتیجه مخالف با قوام -السلطنه دچار توقیف گردیده -اند (ایران آزاد و کار) از توقیف خارج شوند.

در خاتمه امیدواریم که وکلای آزادیخواه در انجام مقاصد مشروعه ما سعی وافی بجا آورند.

به مقام ریاست وزراءعظام فرستاده شود

۱۷ عقرب ۱۳۰۱ یعقوب -الموسوی

[سند شماره ۳۷: تلگراف میرزا محمد تقی ادیب خراسانی به مجلس مبنی بر تقاضای رفع توقیف جریده حج امید]

[نشان تاج و شیر و خورشید]

اداره تلگرافی دولت علیه ایران تاریخ ۱۱ قوس ۱۳۰۱ نمره قبض ۲۶۹۳۷

به مقام منیع مجلس شورای ملی شیدالله ارکانه کبیه ستاره ایران، کبیه بهارستان، کبیه اتحاد روزنامه بی -آلایش میهن که در نتیجه فداکاری مدیران بعالم مطبوعات و مشروطیت خدمات شایانی نموده است اخیراً بواسطه اعراض مغرضین دچار توقیف گردید از آن مقام منیع تقاضا داریم در رفع توقیف روزنامه -های مزبور توجهی مبذول دارند که زیاده بر این بدون جهت خسارتی توجه یک روزنامه ملی نگردد. ادیب حضور مفتش ایران مدیر راه نجات وزیر زاده مدیر اخگر م . ب. مدیر غرش مدیر اختر مسعود محمد تقی ادیب خراسانی مدیر صبح امید.

مبذول شود ۱۸ قوس ۱۳۰۱

یعقوب -الموسوی

[سند شماره ۳۸: شکایت سیدابوالفضل، وکیل عدلیه، به مجلس از عدم صدور مجوز انتشار جریده اش با عنوان عصر خونین]

سلخ جمادی -الاول ۱۳۰۱ نمره ۴۴

مقام محترم ریاست مجلس مقدس دارالشوری ملی شیدالله ارکانه

مشروطیت و در موقع افتتاح پارلمان این بنده با موجودیت صلاحیت موافق مواد قانون مطبوعات از چند ماه قبل راجع با امتیاز جریده بنام عصر خونین از وزارت جلیله معارف تقاضا نموده -ام و پس از چندی معطلی و عذرهای مشروع یا نامشروع در عدم تشکیل شورای عالی معارف بالاخره بدون هیچ مجوز قانونی عصر خونین تصویب نگردید.

نظر به اینکه مقاومت را در مقابل دارشورای معارف با اینکه حق قانونی با این بنده بود مثمرتر ندیده تقاضای خود به اسم عصر اقتدار یا عصر نو تغییر داده با وجود این که در هفته یک روز بیشتر نیست گاهی بواسطه عدم تکمیل اعضاء گاهی بواسطه تراکم امور و یا معاذر دیگر تصویب آن تاکنون به تعلل گذاشته است حالیه از دو نقطه نظر از آن مقام مقدس تقاضا می -شود که اولاً به وزارت معارف عدم کفایت یک روز در یک هفته و برای تشکیل شورای معارف تذکر داده شود ثانیاً تقاضای اینجانب را با موجودیت شرایط که بیش از ده دقیقه وقت برای آن لازم نیست زیاده براین عهده تعویق نگذارده و موجبات شکایت را بیش از این فراهم سازد بعلاوه عدم تشکیل جلسه که بواسطه نیامدن اعضاء است بدیهی است موجب عدم علاقه بعضی از اعضاء است بعالم معارف در این صورت لازم است اعضائی برای شورای معارف تعیین و دعوت شوند که اقلأ هفته یکروز را غائب نباشند.

امضاء وکیل رئیس عدلیه آقای سید ابوالفضل وکیل عدلیه مدرسه ناصری

۱۳۰۱/۱۰/۲۹

به وزارت معارف و اوقاف مراجعه شود ۳ دلو ۱۳۰۱ یعقوب الموسوی





پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی  
پرتال جامع علوم انسانی